کدکنترل

322

A

پنجشنبه

۱۴۰۲/۱۲/۱۷

گروه آموزشی ماز

پاسخنامه آزمون الکترونیکی یازدهم انسانی ـ مرحله ۱۱

درس	مسئول درس	طراحان	ویراستاران
ریاضی	محمد نوربخش	محمد نوربخش	امیرحسین ابومحبوب ـ نرجس تیمناک
زبان و ادبیات فارسی	حسن وسکری	حسن وسکری ـ ابوالفضل غلامی ـ مهران قندی عماد فیض‌آبادی ـ اکبر یحیوی	اعظم نوری‌نیا ـ فاطمه عباسی محمد رزمی ـ امیرحسین اذانی
علوم اجتماعی	الهام میرزایی	الهام میرزایی ـ فروغ تیموریان	آزاده میرزایی ـ فاطمه صفری
روان‌شناسی	الهه همایون‌زاده	الهه همایون‌زاده	احسان کلاته ـ امیرحسین محمدپور
زبان عربی	هاله کریمی	محمدصادق رمضانی‌زاده ـ روح‌الله گلشن محمدعلی تابانفر	کیارش پورمهدی ـ مریم آقایاری
تاریخ	علی‌رضا کاهیدوند	منصوره حاجی زاده ـ علی‌رضا کاهیدوند	سارا خداوردیان ـ محمد رسایی سیدمهدی کیانفر
جغرافیا	حمیدرضا بهیاد	حمیدرضا بهیاد ـ حدیث طلوع‌مهر	زهرا فروغی ـ فرشید مشعرپور
فلسفه	امیرمحمد نصیری	امیرمحمد نصیری ـ مجید قدرتی‌پور	کیمیا طهماسبی ـ حسن صدری امیرحسین اذانی
مدیر آزمون: رسول خنجری			

حق چاپ و تکثیر سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز «گروه ماز» مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.
به دلیل عدم رضایت تیم ماز، هرگونه استفادهٔ غیرقانونی از دفترچه سوالات و پاسخنامه ماز برای تمامی اشخاص، شرعاً حرام است.

AzmonVIP

گروه آموزشی ماز

دوست مازی من، سلام!

برای اینکه ما نظرت رو در رابطه با آزمون بدونیم نیاز هست که در نظرسنجی شرکت کنی.

برای شرکت در نظرسنجی فقط کافیه روی لینک زیر بزنی یا QR کد زیر رو اسکن کنی تا صفحهٔ نظرسنجی برات باز بشه!

ممنون که نظرت رو به ما میگی و بهمون برای بهتر شدن آزمون‌ها کمک می‌کنی :)

https://B2n.ir/s21802

مازی‌ها؛ میدونین که جلوی هر سوال ما براتون ویژگی و آدرس اون سوال رو میذاریم، حالا واسه اینکه کامل یادش بگیرید میخوام براتون بگم که چجوری اینا رو براتون چیدیم:

(سطح سوال ـ سبک سوال ـ آدرس سوال)

آسان ـ متوسط ـ دشوار

مفهومی ـ مساله و ...

مثلا: ۱۱۰۱ یعنی فصل ۱ پایه یازدهم

AzmonVIP

۱- اگر $f=\{(۲,۳),(۳,۴),(۴,۵),(۵,۶)\}$ و $g=\{(۱,۳),(۳,۶),(۵,۸)\}$ باشند، تابع $f\times g$ کدام است؟

۱) $\{(۹,۲۴),(۲۵,۴۸)\}$
۲) $\{(۳,۲۴),(۵,۴۸)\}$
۳) $\{(۸,۴),(۲,۶),(۴,۸)\}$
۴) $\{(۳,۱۲),(۵,۲۴)\}$

پاسخ: گزینهٔ ۲ (آسان ـ محاسباتی ـ ۱۰۲)

تابع $f\times g$:

ابتدا دامنهٔ تابع $f\times g$ را با اشتراک گرفتن بین D_f و D_g به‌دست می‌آوریم، سپس برای دامنهٔ به‌دست آمده مقدار مؤلفهٔ دوم در زوج مرتب‌ها از ضرب مؤلفه‌های دوم f و g به‌دست می‌آید. یعنی: $(f\times g)(x)=f(x)\times g(x)$

پاسخ تشریحی:

$D_{f\times g}=D_f\cap D_g=\{۳,۵\}$

$f\times g=\{(۳,۴\times ۶),(۵,۶\times ۸)\}=\{(۳,۲۴),(۵,۴۸)\}$

گروه آموزشی ماز

۲- اگر $f=\{(۱,۵),(۲,۳),(۳,۴),(۴,۱)\}$ و $g(x)=x^۲+۱$ باشند، میانگین اعضای برد تابع $f-g$ کدام است؟

۱) $-۳/۷۵$
۲) $۳/۲۵$
۳) $-۴/۷۵$
۴) $-۵/۲۵$

پاسخ: گزینهٔ ۴ (آسان ـ محاسباتی ـ ۱۰۲)

تابع $f-g$:

$D_{f-g}=D_f\cap D_g$, $(f-g)(x)=f(x)-g(x)$

نکته:

در حالتی‌که تابع f به‌صورت زوج مرتبی و g با ضابطهٔ جبری داده شده است در صورتی‌که g تابع چندجمله‌ای با دامنهٔ R باشد آن‌گاه $D_{f-g}=D_f\cap D_g=D_f$ است. پس کافی است که مقادیر $f-g$ را به‌ازای اعضای دامنهٔ f به‌دست آوریم.

پاسخ تشریحی:

$g(۱)=۱^۲+۱=۲$

$g(۲)=۲^۲+۱=۵$

$g(۳)=۳^۲+۱=۱۰$

$g(۴)=۴^۲+۱=۱۷$

اعضای برد $f-g=\{۵-۲,۳-۵,۴-۱۰,۱-۱۷\}=\{۳,-۲,-۶,-۱۶\}$

$\bar{x}=\frac{۳-۲-۶-۱۶}{۴}=-\frac{۲۱}{۴}=-۵/۲۵$

گروه آموزشی ماز

۳- با توجه به نمودار درختی زیر حاصل $f_۶(۵)$ کدام است؟

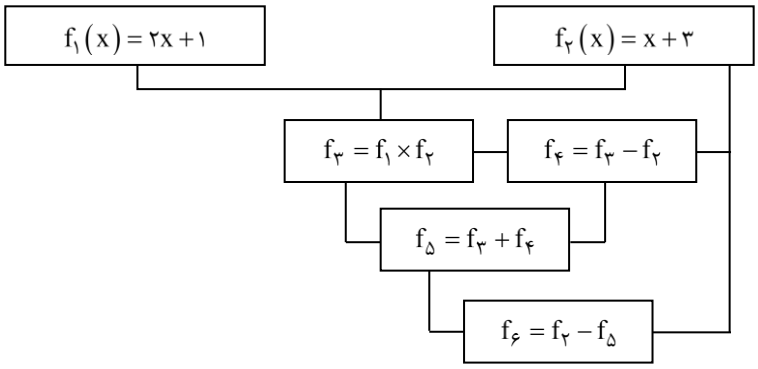

۱) -۸۸
۲) ۱۶۰
۳) -۱۶۰
۴) ۸۰

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینهٔ ۳ (آسان ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

پاسخ تشریحی:

برای محاسبهٔ $f_6(5)$ نیازی نیست که ضابطه‌ها را برای f_3، f_4، f_5 و f_6 به‌دست آوریم. کافی است که مقدارهای $f_3(5)$، $f_4(5)$، $g_5(5)$ و در نهایت $f_6(5)$ را به‌دست آوریم.

$$f_3(5)=f_1(5)\times f_2(5)=11\times 8=88$$
$$f_4(5)=f_3(5)-f_2(5)=88-8=80$$
$$f_5(5)=f_3(5)+f_4(5)=88+80=168$$
$$f_6(5)=f_2(5)-f_5(5)=8-168=-160$$

گروه آموزشی ماز

۴- اگر $f(x)=x+3$ و $g(x)=2x+1$ باشند، مجموع جواب‌های معادلهٔ $1-(f+g)(x)=f^2(x)$ کدام است؟

۱) $-2/5$ ۲) $4/5$ ۳) -9 ۴) $2/5$

پاسخ: گزینهٔ ۳ (آسان ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

نکته: تابع f^2 از $f\times f$ به‌دست می‌آید و ضابطهٔ f^2 از توان دوم ضابطهٔ $f(x)$ به‌دست می‌آید.

تابع $f+g$:

$$D_{f+g}=D_f\cap D_g$$
$$(f+g)(x)=f(x)+g(x)$$

پاسخ تشریحی:

$$(f+g)(x)=x+3+2x+1=3x+4$$
$$f^2(x)=f(x)\times f(x)=(x+3)(x+3)=x^2+6x+9$$
$$\Rightarrow x^2+6x+9=1-3x-4 \Rightarrow x^2+9x+12=0$$
$$\Delta=9^2-4\times 12=81-48=33>0$$

در معادلهٔ درجهٔ دوم $ax^2+bx+c=0$ به شرط $\Delta>0$ معادله دو جواب دارد و مجموع جواب‌ها برابر $-\frac{b}{a}$ است. در نتیجه:

$$\text{مجموع جواب‌ها}=\frac{-9}{1}=-9$$

گروه آموزشی ماز

۵- اگر $f(x)=|x|$ و $g(x)=[x]$ با دامنهٔ $-1\le x<1$ باشند، نمودار تابع $\frac{f}{g}$ کدام است؟ ([ ]، نماد جزءصحیح است.)

۱)
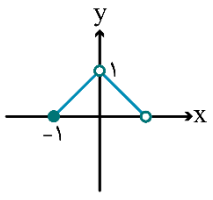

۲)
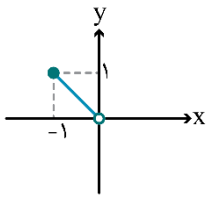

۳)
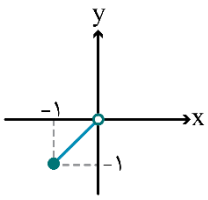

۴)
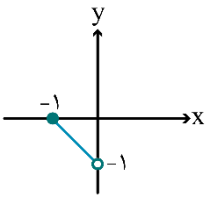

پاسخ: گزینهٔ ۳ (متوسط ـ نموداری ـ ۱۱۰۲)

تابع $\frac{f}{g}$:

$$D_{\frac{f}{g}}=D_f\cap D_g-\{x\,|\,g(x)=0\}\quad,\quad \left(\frac{f}{g}\right)(x)=\frac{f(x)}{g(x)}$$

نکته: مقدار تابع $g(x)=[x]$ به ازای $0\le x<1$ برابر صفر است.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ تشریحی:

چون به ازای $۰ \le x < ۱$ مقدار $[x]=۰$ است؛ پس:

$$D_{\frac{f}{g}} = D_f \cap D_g - \{x \mid g(x)=۰\} = \{x \mid -۱ \le x < ۰\}$$

$$\Rightarrow \left(\frac{f}{g}\right)(x) = \frac{f(x)}{g(x)} = \frac{|x|}{[x]} \xrightarrow{-۱\le x<۰} \frac{-x}{-۱} = x$$

بنابراین نمودار تابع $\frac{f}{g}$ به‌صورت زیر است:

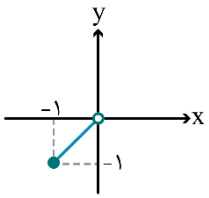

گروه آموزشی ماز

۶- اگر $f(x)=m\left[x+\frac{۱}{۲}\right]$، $g(x)=۳x+۲m$ و $(f+g)\left(-\frac{۲}{۳}\right)=۶$ باشد، مقدار $\left(\frac{f}{g}\right)\left(\frac{۲}{۳}\right)$ کدام است؟ ([ ]، نماد جزء صحیح است.)

۱) $\frac{۴}{۹}$ ۲) $\frac{۸}{۹}$ ۳) $\frac{۱}{۳}$ ۴) $\frac{۲}{۵}$

پاسخ: گزینهٔ ۱ (دشوار ـ محاسباتی / پارامتری ـ ۱۱۰۲)

نکته:

در مسائلی که ضابطه‌های f و g شامل پارامتری مانند m در ضابطه‌ها هستند. با توجه به مقداری که داده شده مانند $(f+g)\left(-\frac{۲}{۳}\right)=۶$ در $f(x)+g(x)$ به‌جای x مقدار $-\frac{۲}{۳}$ قرار می‌دهیم و یک معادله برحسب m به‌دست می‌آوریم. با حل این معادله مقدار m به‌دست می‌آید.

پاسخ تشریحی:

$$(f+g)\left(-\frac{۲}{۳}\right) = f\left(-\frac{۲}{۳}\right)+g\left(-\frac{۲}{۳}\right) = m\underbrace{\left[-\frac{۲}{۳}+\frac{۱}{۲}\right]}_{-۱}+\left(۳\left(-\frac{۲}{۳}\right)+۲m\right)=۶$$

$$\Rightarrow -m+(-۲)+۲m=۶ \Rightarrow m=۸$$

$$\Rightarrow \left(\frac{f}{g}\right)\left(\frac{۲}{۳}\right) = \frac{f\left(\frac{۲}{۳}\right)}{g\left(\frac{۲}{۳}\right)} = \frac{۸\left[\frac{۲}{۳}+\frac{۱}{۲}\right]}{۳\left(\frac{۲}{۳}\right)+۱۶} = \frac{۸}{۱۸} = \frac{۴}{۹}$$

گروه آموزشی ماز

۷- اگر $f(x)=[x]$ با دامنهٔ $۰ \le x < ۲$ و $g(x)=|x-۱|$ با دامنهٔ $-۱ \le x \le ۱$ باشند، برد تابع $f+g$ کدام است؟ ([ ]، نماد جزء صحیح است.)

۱) $\{y \mid -۲ < y \le ۰\}$ ۲) $\{y \mid -۱ \le y < ۰\}$
۳) $\{y \mid -۱ < y \le ۱\}$ ۴) $\{y \mid ۰ < y \le ۱\}$

پاسخ: گزینهٔ ۴ (دشوار ـ محاسباتی / نموداری ـ ۱۱۰۲)

برد تابع $f+g$:

در مسائلی که تابع‌های f و g به‌صورت ضابطهٔ جبری داده شده برای به‌دست آوردن برد $f+g$ باید نمودار تابع $f+g$ را رسم کنیم و از روی نمودار آن برد تابع را به‌دست آوریم.

پاسخ تشریحی:

$$D_{f+g} = D_f \cap D_g = \{x \mid ۰ \le x \le ۱\}$$

www.biomaze.ir
AzmonVIP

بنابراین ضابطهٔ دو تابع f و g را در اشتراک به‌دست آمده به‌صورت دو ضابطه‌ای می‌نویسیم و دو تابع را باهم جمع می‌کنیم:

$$f(x)=[x] \Rightarrow f(x)=\begin{cases} ۰ & , \quad ۰\le x<۱ \\ ۱ & , \quad x=۱ \end{cases}$$

$$g(x)=|x-۱| \Rightarrow g(x)=\begin{cases} -x+۱ & , \quad ۰\le x<۱ \\ ۰ & , \quad x=۱ \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f+g)(x)=\begin{cases} -x+۱ & , \quad ۰\le x<۱ \\ ۱ & , \quad x=۱ \end{cases}$$

نمودار $f+g$ را رسم می‌کنیم و برد را مشخص می‌کنیم:

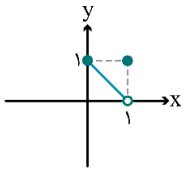

$\Rightarrow$ برد $=\{y \mid ۰<y\le ۱\}$

تابع $f(x)=|۲x-۲|$ و $g(x)=[x]$ با دامنهٔ $-۱\le x\le ۱$ است. اگر مجموعهٔ A بُرد تابع f.g باشد، کدام عدد عضو A است؟

۱) ۲ ۲) ۳ ۳) -۲ ۴) -۳ ✓

(کنکور دی ماه ۱۴۰۱)

گروه آموزشی ماز

۸- اگر $f(x)=k$ و $g(x)=۳k-۲$ دو تابع ثابت باشند و $\left(\frac{f}{g}\right)(x)=۴$ باشد، مقدار k کدام است؟

۱) $\frac{۸}{۱۱}$ ۲) $\frac{۱۱}{۸}$ ۳) -۲ ۴) $\frac{۱}{۲}$

پاسخ: گزینهٔ ۱ (آسان ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

تقسیم دو تابع:

برای به‌دست آوردن ضابطهٔ تابع $\frac{f}{g}$ داریم:

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x)=\frac{f(x)}{g(x)}$$

تذکر:

$$D_{\frac{f}{g}}=D_f\cap D_g-\{x \mid g(x)=۰\}$$

پاسخ تشریحی:

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x)=\frac{f(x)}{g(x)}=\frac{k}{۳k-۲}=۴ \Rightarrow ۱۲k-۸=k$$

$$\Rightarrow ۱۱k=۸ \Rightarrow k=\frac{۸}{۱۱}$$

دو تابع $f(x)=\frac{a}{x}+b$ و $g(x)=c+(۱+b)x$ ثابت هستند. اگر $\frac{f}{g}=۲$ باشد، میانگین a و b و c کدام است؟

۱) $\frac{۱}{۲}$ ۲) ۲ ۳) $-\frac{۱}{۲}$ ✓ ۴) -۲

(کنکور مجدد آذرماه ۱۴۰۱)

گروه آموزشی ماز

۹- تابع $f(x)=۲x^۲+۱$ و $g(x)=[x]+[-x]$ هردو با دامنهٔ $۱\le x\le ۳$ هستند، ضابطهٔ تابع $f+۲g$ کدام است؟ ([ ]، نماد جزء صحیح است.)

۱) $\begin{cases} ۲x^۲ & x=۱,۳ \\ ۲x^۲-۱ & ۱<x<۳ \end{cases}$

۲) $\begin{cases} ۲x^۲+۳ & , \quad x=۱,۳ \\ ۲x^۲-۱ & , \quad ۱<x<۳ \end{cases}$

۳) $\begin{cases} ۲x^۲-۱ & , \quad x=۱,۲,۳ \\ ۲x^۲+۱ & , \quad ۱<x<۳, x\ne ۲ \end{cases}$

۴) $\begin{cases} ۲x^۲+۱ & , \quad x=۱,۲,۳ \\ ۲x^۲-۱ & , \quad ۱<x<۳, x\ne ۲ \end{cases}$

www.biomaze.ir

پاسخ: گزینهٔ ۴ (متوسط ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

پاسخ تشریحی:

برای به‌دست آوردن تابع $f+2g$ می‌دانیم مقدار $[x]+[-x]$ را به ازای مقادیر صحیح برابر صفر و به‌ازای مقادیر غیرصحیح برابر -1 است؛ پس:

$$x=1,2,3 \Rightarrow [x]+[-x]=0$$

$$1<x<3, x\neq 2 \Rightarrow [x]+[-x]=-1$$

$$\Rightarrow (f+2g)(x)=f(x)+2g(x)=\begin{cases}2x^2+1+2\times 0 & , \quad x=1,2,3\\ 2x^2+1-2 & , \quad 1<x<3, x\neq 2\end{cases}$$

$$=\begin{cases}2x^2+1 & , \quad x=1,2,3\\ 2x^2-1 & , \quad 1<x<3, x\neq 2\end{cases}$$

گروه آموزشی ماز

۱۰- تابع $f(x)=x+2$ مفروض است. اگر نمودار تابع درجه دوم $f\times g$ مطابق شکل زیر باشد، نمودار تابع $f-g$ کدام است؟

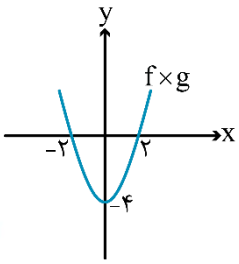

۱)
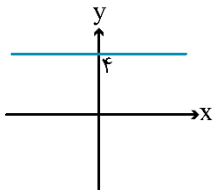

۲)
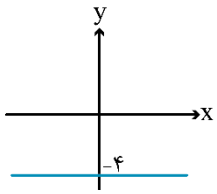

۳)
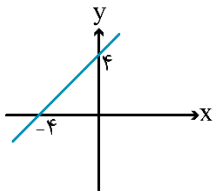

۴)
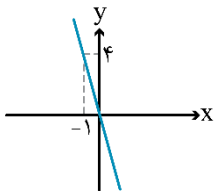

پاسخ: گزینهٔ ۱ (متوسط ـ نموداری ـ ۱۱۰۲)

نکته:
در مسائلی که نمودار تابع $f\times g$ و ضابطهٔ f را داریم، برای به‌دست آوردن ضابطهٔ g ابتدا از روی نمودار ضابطهٔ $f\times g$ را به‌دست می‌آوریم. این ضابطه را برابر $f\times g$ قرار می‌دهیم و به‌جای f نیز ضابطهٔ داده شده در صورت مسئله را قرار می‌دهیم، سپس با تنها کردن $g(x)$ ضابطهٔ آن به‌دست می‌آید.

پاسخ تشریحی:

با توجه به آن‌که نمودار سهمی $f\times g$ از نقاط $(2,0)$ و $(-2,0)$ عبور کرده و رأس آن $(0,-4)$ است. پس ضابطهٔ آن به‌صورت $(f\times g)(x)=x^2-4$ است.

$$(f\times g)(x)=f(x)\times g(x)$$

$$\Rightarrow x^2-4=(x+2)\times g(x) \Rightarrow g(x)=x-2$$

$$\Rightarrow (f-g)(x)=f(x)-g(x)=x+2-(x-2)=4$$

و نمودار آن به‌صورت مقابل است:

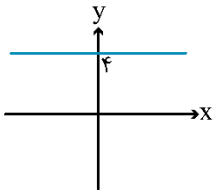

گروه آموزشی ماز

۱۱- اگر $f=\{(4,7),(3,2a-1),(2,b+2)\}$، $g=\{(4,a),(3,4),(2,5)\}$، $(f-g)(4)=5$ و $(f+g)(2)=11$ باشد، حاصل $\frac{(f\times g)(3)}{f(2)}$ کدام است؟

۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۴

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینهٔ ۲ (دشوار ـ محاسباتی / پارامتری ـ ۱۱۰۲)

پاسخ تشریحی:

مقدار $(f-g)(۴)$ را با توجه به دو زوج مرتب $(۴,۷)\in f$ و $(۴,a)\in g$ به‌دست می‌آوریم و برابر با ۵ قرار می‌دهیم.

$$(f-g)(۴)=۷-a=۵ \Rightarrow a=۲$$

به همین ترتیب $(f+g)(۲)$ را با توجه به $(۲,b+۲)\in f$ و $(۲,۵)\in g$ به‌دست می‌آوریم.

$$(f+g)(۲)=b+۲+۵=۱۱ \Rightarrow b=۴$$

حالا مقدار خواسته شده را به‌دست می‌آوریم:

$$\frac{(f\times g)(۳)}{f(۲)}=\frac{f(۳)\times g(۳)}{f(۲)}=\frac{(۲a-۱)\times ۴}{b+۲}$$

$$\xrightarrow[b=۴]{a=۲} \text{عبارت}=\frac{۳\times ۴}{۴+۲}=\frac{۱۲}{۶}=۲$$

گروه آموزشی ماز

۱۲- اگر $f=\{(-۲,۷),(۴,۶),(۳,۰),(۱,۲)\}$ و $g=\{(-۲,۰),(۳,۵),(۴,۲)\}$ باشند، آن‌گاه تابع $\frac{f}{g}+\frac{g}{f}$ کدام است؟

۱) $\{(۴,۳),(-۲,۳)\}$

۲) $\left\{\left(۴,\frac{۱۰}{۳}\right)\right\}$

۳) $\{(۴,۱)\}$

۴) $\left\{\left(۴,\frac{۱۰}{۳}\right),(-۲,۰),(۳,۰)\right\}$

پاسخ: گزینهٔ ۲ (متوسط ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

تابع $\frac{f}{g}$ و $\frac{g}{f}$:

وقتی تابع‌های f و g به‌صورت زوج مرتب نوشته شده برای به‌دست آوردن تابع $\frac{f}{g}$ با توجه به $D_{\frac{f}{g}}=D_f\cap D_g-\{x\mid g(x)=۰\}$ ابتدا دامنه را به‌دست آورده، سپس مؤلفهٔ دوم را از تقسیم مؤلفه‌های دوم به‌دست می‌آوریم. با توجه به تعریف دامنه به‌ازای x هایی که $g(x)=۰$ (مؤلفهٔ دوم g برابر صفر است.) زوج مرتب تعریف نمی‌شود.

پاسخ تشریحی:

ابتدا تابع‌های $\frac{f}{g}$ و $\frac{g}{f}$ را جداگانه به‌دست می‌آوریم، سپس حاصل جمع آن‌ها را به‌دست می‌آوریم:

$$\frac{f}{g}=\left\{\left(۴,\frac{۶}{۲}\right),\left(۳,\frac{۰}{۵}\right)\right\}=\{(۴,۳),(۳,۰)\}$$

دقت کنید که به‌ازای ۲-، تابع $\frac{f}{g}$ تعریف نمی‌شود.

$$\frac{g}{f}=\left\{\left(-۲,\frac{۰}{۷}\right),\left(۴,\frac{۲}{۶}\right)\right\}=\left\{(-۲,۰),\left(۴,\frac{۱}{۳}\right)\right\}$$

دقت کنید که به‌ازای ۳، تابع $\frac{g}{f}$ تعریف نمی‌شود.

$$\Rightarrow \frac{f}{g}+\frac{g}{f}=\left\{\left(۴,۳+\frac{۱}{۳}\right)\right\}=\left\{\left(۴,\frac{۱۰}{۳}\right)\right\}$$

اگر $f=\{(۲,۵),(۳,۴),(۴,۶),(۱,۷)\}$ و $g=\{(۱,۳),(۲,۶),(۵,۲),(۴,۹)\}$ باشند. برد تابع $g-f$، کدام است؟

۱) $\{-۴,۱,۳\}$ ✓

۲) $\{-۴,۲,۳\}$

۳) $\{-۴,۱,۲,۳\}$

۴) $\{۱,۲,۳,۴\}$

(کنکور ۹۸ داخل)

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۱۳- اگر نمودار تابع‌های f و g به‌صورت زیر باشد، دامنهٔ تابع $\frac{f}{g}$ کدام است؟

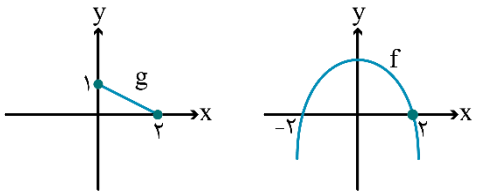

۱) $\{x \mid ۰ \le x \le ۱\}$
۲) $\{x \mid ۰ < x < ۱\}$
۳) $\{x \mid ۰ \le x < ۲\}$
۴) $\{x \mid ۰ < x \le ۲\}$

پاسخ: گزینهٔ ۳ (متوسط ـ نموداری / مفهومی ـ ۱۱۰۲)

پاسخ تشریحی:

برای به‌دست آوردن تابع $\frac{f}{g}$ داریم:

$$D_{\frac{f}{g}} = D_f \cap D_g - \{x \mid g(x) = ۰\}$$

پس ابتدا دامنهٔ f و g را از روی نمودار به‌دست می‌آوریم، سپس طول نقاطی که در آن $g(x)=۰$ است را مشخص می‌کنیم:

$$\begin{cases} D_f = \mathbb{R} \ , \ D_g = \{x \mid ۰ \le x \le ۲\} \\ g(۲) = ۰ \end{cases} \Rightarrow D_{\frac{f}{g}} = \{x \mid ۰ \le x < ۲\}$$

گروه آموزشی ماز

۱۴- اگر $f(x) = \frac{x^۲ - ۱}{x}$ و $g(x) = \frac{x+۱}{x-۱}$ باشند، دامنه و ضابطهٔ تابع $\frac{f}{g}$ کدام است؟

۱) $D = \mathbb{R} - \{۰, -۱\} \ , \ \frac{(x+۲)}{x-۱}$
۲) $D = \mathbb{R} - \{۰, ۱\} \ , \ \frac{(x+۱)^۲}{x}$
۳) $D = \mathbb{R} - \{-۱, ۰\} \ , \ \frac{(x-۱)}{x(x+۱)}$
۴) $D = \mathbb{R} - \{-۱, ۰, ۱\} \ , \ \frac{(x-۱)^۲}{x}$

پاسخ: گزینهٔ ۴ (دشوار ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

تابع $\frac{f}{g}$:

$$D_{\frac{f}{g}} = D_f \cap D_g - \{x \mid g(x) = ۰\}$$

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x) = \frac{f(x)}{g(x)}$$

دامنهٔ تابع کسری:
تابع کسری (گویا) به‌ازای همهٔ مقادیر حقیقی به غیر از ریشه‌های مخرج تعریف شده است.

پاسخ تشریحی:

ریشهٔ مخرج ضابطهٔ f: $x = ۰$؛ بنابراین:

$$D_f = \mathbb{R} - \{۰\}$$

ریشهٔ مخرج تابع g: $x - ۱ = ۰ \Rightarrow x = ۱$؛ بنابراین:

$$D_g = \mathbb{R} - \{۱\}$$

$$g(x) = ۰ \Rightarrow x + ۱ = ۰ \Rightarrow x = -۱$$

$$\Rightarrow D_{\frac{f}{g}} = R - \{-۱, ۰, ۱\}$$

$$\left(\frac{f}{g}\right)(x) = \frac{f(x)}{g(x)} = \frac{x^۲ - ۱}{x} \div \frac{x+۱}{x-۱} = \frac{(x-۱)(x+۱)}{x} \times \frac{x-۱}{x+۱} = \frac{(x-۱)^۲}{x}$$

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

۱۵- اگر $f(x)=\begin{cases} ۲x+۱ & , \quad x<۰ \\ x-۳ & , \quad x\geq ۰ \end{cases}$ و $g(x)=\begin{cases} x-۱ & , \quad x<-۱ \\ ۲x & , \quad x\geq -۱ \end{cases}$ باشند، حاصل $A=\dfrac{(f+g)(۰)}{(f-g)(-۱)}$ کدام است؟

۱) -۳ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) $-\frac{۳}{۴}$

پاسخ: گزینهٔ ۱ (متوسط ـ محاسباتی ـ ۱۱۰۲)

پاسخ تشریحی:

برای محاسبهٔ مقدار $(f+g)(۰)$ مقدار $f(۰)$ را از ضابطهٔ پایینی f و مقدار $g(۰)$ را از ضابطهٔ پایینی g به‌دست می‌آوریم و باهم جمع می‌کنیم.

برای محاسبهٔ $(f-g)(-۱)$ مقدار $f(-۱)$ را از ضابطهٔ بالایی f و مقدار $g(-۱)$ را از ضابطهٔ پایینی g به‌دست می‌آوریم.

$$(f+g)(۰)=f(۰)+g(۰)=(۰-۳)+۲\times ۰=-۳$$

$$(f-g)(-۱)=f(-۱)-g(-۱)=(۲(-۱)+۱)-(۲(-۱))=-۱+۲=۱$$

$$\Rightarrow A=\frac{-۳}{۱}=-۳$$

۱۶- وزن نوشته‌شده در مقابل چه تعداد از مصراع‌های زیر صحیح است؟

الف: خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

ب: وا دل من وا دل من وا دل من وا دل من (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتلعن)

ج: هین که گردن سست کردی، کو کبابت کو شرابت (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

د: جهانجوی را نام ضحاک بود (فعولن فعولن فعولن فعل)

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

تقطیع مصراع‌های درست:

«ب»:

وا	دِ	لِ	مَن	وا	دِ	لِ	مَن	وا	دِ	لِ	مَن	وا	دِ	لِ	مَن
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن			

«د»:

جَ	هان	جو	ی	را	نا	م	ضَح	حا	ک	بود
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعل	

بررسی سایر موارد:

«الف»:

خُد	غَ	لَط	بو	دان	چِ	می	پِن	دا	ش	تیم
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن		

«ج»:

هین	کِ	گَر	دَن	سُس	ت	کَر	دی	کو	کَ	با	بَت	کو	شَ	را	بَت
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن			

گروه آموزشی ماز

۱۷- در کدام گزینه یک هجای بلند از رکن آخر بیت حذف شده است؟

۱) مُـرده بُدم زنده شدم گریه بُـدم خنده شـدم — دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

۲) تـو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی — تـو نمـایندهٔ فضلی تـو سزاوار ثنایی

۳) عـاشق مهجـور نگر عـالم پـُرشور نگر — تشنـهٔ مخمور نگـر ای شـه خمّار بیا

۴) تـو آنی کـز خِـرد چیـزی نمـاندست — دریـن گیتـی کـه آن ایـزد ندادت

پاسخ: گزینهٔ ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

تقطیع بیت صورت سوال:

در بیت گزینهٔ «۴» با افزودن یک هجای بلند به انتهای بیت، سه بار مفاعیلن خواهیم داشت.

تُ	ءا	نی	کَز	خِ	رَد	چی	زی	نَ	مان	دَست
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	
دَ	رین	گی	تی	کِ	ءان	ءی	زَد	نَ	دا	دَت
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
مفاعیلن				مفاعیلن				فعولن		

www.biomaze.ir

AzmonVIP

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱)

مُر دِ بُ دَم	زِن دِ شُ دَم	گِر یِ بُ دَم	خَن دِ شُ دَم
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
دو لَ تِ عِش	قا مَ دُ مَن	دو لَ تِ پا	یَن دِ شُ دَم
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتلعن

۲)

تُ حَ کی می	تُ عَ ظی می	تُ کَ ری می	تُ رَ حی می
- - U U	- - U U	- - U U	- - U U
فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
تُ نَ ما یَن	دِ یِ فَض لی	تُ سِ زا وا	رِ ثَ نا یی
- - U U	- - U U	- - U U	- - U U
فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

۳)

عا شِ قِ مَهـ	جو رِ نِ گَر	عا لَ مِ پُر	شو رِ نِ گَر
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
تِش نِ یِ مَخ	مو رِ نِ گَر	ءِی شَ هِ خَم	ما رِ بِ یا
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

گروه آموزشی ماز

۱۸- **وزن نوشته‌شده در مقابل کدام مصراع نادرست است؟**

۱) وارهد از حدِّ جهان بی‌حد و اندازه شود (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

۲) از بر یار آمده‌ای مرحبا (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

۳) من نیم با تو دو دل چون دگران (فاعلاتن فعلاتن فع لن)

۴) قصد جفاها نکنی ور بکنی با دل من (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

مَن نِ یَم با	تُ دُ دِل چُن	دِ گَ ران					
- U - -	U U - -	U -					
فاعلاتن	فعلاتن	فعلن					

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱)

وا رَ هَ دَز	حَد دِ جَ هان	بی حَ دُ ءَن	دا زِ شَ وَد
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

۲)

ءَز بَ رِ یا	را مَ دِ ئی	مَر حَ با
- U U -	- U U -	- U -
مفتعلن	مفتعلن	فاعلن (= مفتعل)

۴)

قَص دِ جَ فا	ها نَ کُ نی	وَر بُ کُ نی	با دِ لِ مَن
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

AzmonVIP

۱۹- وزن کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تـو را / ور قصد آزارم کنی هرگز نیازارم تو را»

۱) رَســـتم از این بیـت و غزل ای شه و سلطان ازل / مفتعلن مفتعلن مفتلعن کشت مرا
۲) امشـــب که بزم عارفان از شمع رویت روشن است / آهسته تا نبود خبر رندان شاهـدباز را
۳) ســـر تا به قـــدم جمـــله هنـــر دارد و خوبی / عیبش همه آن است که با بنده نسازد
۴) نظـــر آوردم و بردم که وجـــودی به تـــو ماند / همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

وزن بیت صورت سؤال:

جُر	می	نَ	دا	رَم	بی	شَ	زین	کَز	جان	وَ	فا	دا	رَم	تُ	را
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وَر	قَص	دِ	ءا	زا	رَم	کُ	نی	هَر	گِز	نَ	یا	زا	رَم	تُ	را
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			

ءِم	شَب	کِ	بَز	مِ	عا	رِ	فان	ءَز	شَم	عِ	رو	یَت	رَو	شَ	نَست
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
ءا	هِس	تِ	تا	نَب	وَد	خَ	بَر	رِن	دا	نِ	شا	هِد	با	ز	را
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱)

رَس	تَ	مَ	زین	بی	تُ	غَ	زَل	ءِی	شَ	هُ	سُل	طا	نِ	ءَ	زَل
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
مَف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	کُش	ت	مَ	را
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن			

۳)

سَر	تا	بِ	قَ	دَم	جُم	لِ	هُـ	نَر	دا	رَ	دُ	خو	بی		
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-		
عِی	بَش	هَ	مِ	ءا	نَس	ت	کِ	با	بَن	دِ	نَ	سا	زَد		
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-		
مستفعل				مستفعل				مستفعل				فع لن			

۴)

نَ	ظَ	را	وَر	دَ	مُ	بُر	دَم	کِ	وُ	جو	دی	بِ	تُ	ما	نَد
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
هَ	مِ	ءِس	مَن	دُ	تُ	جِس	می	هَ	مِ	جِس	مَن	دُ	تُ	رو	حی
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
فعلاتن				فعلاتن				فعلاتن				فعلاتن			

گروه آموزشی ماز

۲۰- چه تعداد از مصراع‌های زیر به وزن (فعولن فعولن فعولن فعل) است؟

- حلال است رفتن به صحرا ولیک
- چنان مست دیدار و حیران عشق
- در اقصای عالم بگشتم بسی
- ز هر جنس در نفس پاکش علوم
- به صورتگری دست بردی زمانی

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

فقط مصراع آخر بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن» است:

بِ	صو	رَت	گَ	ری	دَس	ت	بُر	دی	زَ	ما	نی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		

سایر مصراع‌ها بر وزن (فعولن فعولن فعولن فعل) هستند:

حَ	لا	لَس	ت	رَف	تَن	بِ	صَح	را	وَ	لیک
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعل	

چُ	نان	مَس	تِ	دی	دا	رُ	حِی	را	نِ	عِشق
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعل	

دَ	رَق	صا	یِ	عا	لَم	بِ	گَش	تَم	بَ	سی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعل	

زِ	هَر	جِن	س	دَر	نَف	سِ	پا	کَش	عُ	لوم
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
فعولن			فعولن			فعولن			فعل	

گروه آموزشی ماز

۲۱- خط عروضی و پایه‌های آوایی بیت زیر با توجه به وزن آن در کدام گزینه به‌درستی برش خورده است؟

«طـــوق جنـــون سلسله شد باز مکن سلسله را / لابه‌گری می‌کنمت راه تو زن قافله را»

۱) طو قِ جُ نون/ سِل سِ لِ شُد/ با ز مَ کُن/ سِل سِ له را / لا به گَ ری / می کُ نَ مَت/ را ه تو زَن/ قا فِ له را

۲) طو قِ جُ نون/ سِل سِ لِ شُد/ با ز مَ کُن/ سِل سِ لِ را / لا بِ گَ ری/ می کُ نَ مَت/ را ه تُ زَن/ قا فِ لِ را

۳) طو قِ جُ نون/ سِل سِ لِ/ شُد با ز م/ کُن سِل سِ/ لِ را / لا بِ گَ ری/ می کُ نَ/ مَت را ه تُ/ زَن قا فِ/ لِ را

۴) طو قِ جُ نون/ سِل سِ لِ شُد/ باز مَ کُن سِل/ سِ لِ را / لا بِ گَ ری/ می کُ نَ مَت/ راه تُ زَن قا/ فِ لِ را

پاسخ: گزینه ۲ (آسان ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

طو قِ جُ نون / سِل سِ لِ شُد / با ز مَ کُن/ سِل سِ لِ را (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

لا بِ گَ ری / می کُ نَ مَت/ را ه تُ زَن/ قا فِ لِ را (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) با توجه به وزن (مفتعلن): له: لِ / تو: تُ / له :لِ

۳) رکن پایانی به این صورت است: سِل سِ لِ را / قا فِ لِ را

۴) «باز» و «راه» هجای کشیده هستند که باید از هم جدا شوند و نمی‌توانند در یک بخش قرار گیرند به همین دلیل پارهٔ سوم پنج هجایی شده است.

گروه آموزشی ماز

۲۲- نشانه‌های هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

۱) نشود فاش کسی آنچه میان من و توست: (- U U / U – U U / - - U U / - - U U)

۲) رخ فرسودهٔ زردم غم صفرای تو دارد: (- - U U / - - U U / - - U U / - - U U)

۳) وی به ابد زنده و فرسوده ما: (- U - / - - U - / - - U-)

۴) گفت ببخشند گنه می بنوش: (- U - / - U U - / - U U-)

www.biomaze.ir

AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ مفهومی ـ عروض و قافیه)

پاسخ تشریحی:

وی به ابد زنده و فرسوده ما: – U – / – U U – / – U U –

وِی	بِ	ءَ	بَد	زِن	دِ	وُ	فَر	سو	دِ	ما
–	U	U	–	–	U	U	–	–	U	–

گروه آموزشی ماز

۲۳- در بیت زیر، به ترتیب، چند استعارهٔ مصرحه و چند استعارهٔ مکنیه، دیده می‌شود؟

«نافه را از کمند تو دل در گره　　لعل را از عقیق تو خون در جگر»

۱) سه - یک　۲) چهار - یک　۳) سه - دو　۴) دو - دو

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

تشریح بیت: «در دلِ نافه از کمند تو گره [است] در جگر لعل از عقیق تو خون [است]».

معنی واژه‌ها: نافه ← به معنای مشکی که از دل آهو به‌دست می‌آید و با آن عطر درست می‌کنند.　لعل ← سنگی قیمتی و به رنگ قرمز

این دو ترکیب در این بیت تشخیص دارند؛ «دل نافه» و «جگر لعل». بنابراین، استعارهٔ مکنیه حساب می‌شوند.

کمند در مصراع اول استعارهٔ مصرحه از موی معشوق و «عقیق» در مصراع دوم استعارهٔ مصرحه از لب یار است.

حقیقت و مجاز:

همهٔ واژه‌ها یک یا چند معنی حقیقی دارند. در زبان ادبی، به واژه‌ها معانی متفاوتی می‌دهیم و از آن‌ها به نحوی استفاده می‌کنیم که لزوماً با معنی حقیقی آن سازگار نیست. معانی اصلی واژه که در فرهنگ لغت دیده می‌شود «حقیقت» واژه است و معانی ثانوی و غیراصلی واژه «مجاز» به شمار می‌آید. کاربرد واژه در معنایی به‌جز معنی حقیقی کاربردی «مجازی» است. طبیعی است اگر بدون هیچ نشانه‌ای معنای غیرحقیقی‌ای به یک واژه بدهیم، خواننده آن را درنخواهد یافت. بنابراین همیشه نشانه‌ای هست که از مجازی‌بودن کاربرد یک واژه در متن خبر می‌دهد.

دو جملهٔ زیر را مقایسه کنید و ببینید کاربرد «ابر» چگونه در آن متفاوت است:

- ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست
- وز ابر مر او را به سوی خاک فروکاست

در جملهٔ اول، «ابر» دقیقاً در معنی اصلی خود به کار رفته‌است.

در جملهٔ دوم، منظور از ابر «آسمان» و منظور از خاک هم «زمین» است. پس این دو کلمه در معنای حقیقی خود به کار نرفته‌اند و مجاز محسوب می‌گردند.

گروه آموزشی ماز

۲۴- در کدام‌یک از ابیات زیر استعاره‌ای یافت نمی‌شود؟

۱) ای آشـــنای کوی محبـــت صبور باش　　بیداد نیکوان همه بر آشنا رود

۲) هـــوش خردمند را عشـق به تاراج برد　　من نشنیدم که باز صید کبوتر شود

۳) قدر آن خاک ندارم که بر او می‌گذری　　که به هر وقت همی بوسه دهد بر پایت

۴) خانـــهٔ دل ما را از کـــرم عمـــارت کن　　پیش از آن‌که این خانه رو نهد به ویرانی

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در گزینهٔ ۱، کوی محبت اضافهٔ تشبیهی است؛ «محبت» همچون «کوی» است که می‌توان در آن ساکن بود. هیچ نوعی از استعاره در این بیت وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) عشق هوش خردمند را به تاراج برده: استعارهٔ مکنیه

۳) خاک بر پای معشوق بوسه می‌دهد: استعارهٔ مکنیه

۴) خانهٔ دل در مصراع اول اضافهٔ تشبیهی است و در مصراع دوم با حذف مشبّه یعنی «دل» استعارهٔ مصرحه ساخته شده است.

نکته: تشبیه در مصراع اول، استعاره در مصراع دوم

یک نکتهٔ مهم دربارهٔ تشبیه این است که وقتی در یک بیت یا در یک مصراع، مشبه و مشبه‌به به شکلی بیان شده‌اند، تشبیه حتماً وجود دارد. نکتهٔ مهم دیگر این است که وقتی تشبیه انجام می‌شود (یعنی مشبه و مشبه در مصراع اول ذکر می‌شود) با مصراع دوم مثل یک بیت جدید برخورد می‌کنیم و کاربرد یک واژه در معنی مجازی به‌خاطر شباهتشان را «استعارهٔ مصرحه» حساب می‌کنیم. به نمونهٔ گزینهٔ ۴ دقت کنید. «دل به خانه» تشبیه شده و سپس در مصرع دوم، صرفاً کلمهٔ «خانه» ذکر شده تا به «دل» اشاره کند.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

استعاره: مجاز یا تشبیه؟

استعاره را به دو صورت تعریف می‌کنیم؛ استعاره از طرفی، نوعی مجاز است و از طرفی، به آرایهٔ تشبیه مربوط است. از این جهت که در استعاره با نسبت‌دادن یک معنی غیرحقیقی به واژه سروکار داریم، به مجاز مرتبط است. از سوی دیگر، استعاره بر پایهٔ شباهت دو پدیده با همدیگر است اما تنها به یکی از پدیده‌ها اشاره می‌کنیم و نشانه‌هایی در متن به جای می‌گذاریم که تشخیص آن را ممکن سازد.

استعاره، مجاز به علاقهٔ شباهت: در مصراع «ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است»، «ماه» در معنی «معشوق» به کار رفته است و ارتباط این دو معنی «شباهت» معشوق به ماه است.

استعاره، تشبیه بدون مشبه: در مصراع «ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است»، «معشوق» به «ماه» تشبیه شده اما اسمی از او نیامده؛ از طریق «برون رفتن»، اندوهگین بودن شاعر و اینکه به چشم او یک سال گذشته، می‌فهمیم که دربارهٔ «ماه» حقیقی سخن نمی‌گوید بلکه موضوع «معشوقِ مانند ماه» است.

استعاره دو نوع دارد؛ با توجه به اینکه مشبه یا مشبه‌به حذف شده باشد، یکی از انواع استعاره پدید می‌آید. وقتی نسبت شباهتی بین دو پدیده در نظر گرفته می‌شود اما فقط مشبه‌به ذکر می‌شود، استعارهٔ مصرحه است. وقتی نسبت شباهتی بین دو پدیده در نظر گرفته می‌شود و مشبه به‌تنهایی ذکر می‌شود و با بیان یک ویژگی مشبه‌به، به استعاری‌بودنِ معنی واژه اشاره می‌شود، استعارهٔ مکنیه یا پنهان است؛ به عبارت دیگر، وقتی برای اشاره به شباهت دو پدیده، از ویژگی‌های مشبه‌به به‌جای خودش استفاده می‌کنیم، استعاره پنهان است. (گفتن «ماه» به جای «معشوق» آشکار است چون مشبه‌به آشکار است اما گفتن «فروغ روی تو» استعارهٔ مکنیه است چون مشبه‌به پوشیده است و «روی» به «ماه» مانند شده و این را با گفتن «فروغ» در می یابیم.)

گروه آموزشی ماز

۲۵- نوع استعارهٔ موجود در کدام بیت متفاوت است؟

۱) در قفس طلبد هـــر کجـــا گرفتاری‌ست / من از کمند تو تا زنده‌ام نخواهم جست

۲) عنـــان نفس را بگـذار چندی تا به راه آید / که از خامی برآرد اسب سرکش را دویدن‌ها

۳) زان شب که ماه خویش نمودی به عاشقان / چون چرخ بی‌قرار کسی را قرار نیست

۴) ای سهـــی سرو روان آخر نگاهـــی باز کن / تا به خدمت عرضه دارم افتقار (: نیازمندی) خویش را

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در گزینهٔ ۲ عنان نفس اضافهٔ استعاری و استعارهٔ مکنیه است، اما در سایر بیت‌ها استعارهٔ مصرحه دیده می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «کمند» استعاره از زلف یار

۳) ماه استعاره از صورت / چرخ استعاره از آسمان

۴) سرو استعاره از یار

توجه داشته باشید که استعارهٔ مصرحه یک واژه یا مفهوم است اما برای داشتن استعارهٔ مکنیه حداقل دو واژه نیاز است چون در مکنیه باید هم مشبّه بیاید هم ویژگی مشبّه‌به.

انواع استعاره:

دو نوع کلی از استعاره وجود دارد:

۱) استعارهٔ مصرحه یا آشکار (نوع اول) ← مشبه‌به (به معنی مشبه)

وقتی می‌گوییم استعاره یعنی «عاریت و وام گرفتن» یعنی در استعاره، دو پدیده آن‌قدر به نظرِ گوینده، به هم شبیه هستند، که معنی یکی را برای دیگری قرض بگیریم. برای مثال، شاعری گفته «با کاروان حله برفتم ز سیستان / با حله‌ای تنیده ز دل بافته ز جان». این شاعر اگر می‌خواست از تشبیه استفاده کند، می‌گفت «من شعری همچون پارچه و حُله سرودم» ولی به نظرش، آن‌قدر شعرش شبیه حله است، که کافی است بگوید «حله» و با اشاره‌های زیرپوستی، تاکید کند که منظورش حلهٔ بُریدنی و پوشیدنی نیست؛ منظورش حُلهٔ سرودنی است! پس معنیِ «شعر» را برای «حُله» قرض گرفت و چنین بیتی سرود. وقتی می‌گوییم «کاربرد واژه‌ای به جای واژهٔ دیگر» هم دقیقاً یعنی گفتن «حُله» به معنی «شعر». به عبارت دیگر، در تشبیه دو پدیده شبیهند ولی گویی در استعاره، دو پدیده عیناً یکسانند تا حدی که گفتن «ب» برای اشاره به «الف» کافی باشد و نیازی به ادات تشبیه و ترکیب‌های اضافیِ آشکار و... نباشد!

۲) استعارهٔ مکنیه یا پنهان (نوع دوم) ← مشبه + ویژگی یا لوازم مشبه‌به

این قرض گرفتن یک حالت دیگر هم دارد که مقداری پوشیده‌تر رخ می‌دهد. در حالت قبلی، گفتیم «حله» و دقیقاً منظور «شعر» بود. چگونه می‌توان خیال‌انگیزتر بیان کرد و دقیقاً واژهٔ «حله» را نیاورد؟ می‌شود به ویژگی‌های «حُله» به صورت غیرمستقیم اشاره کرد تا شنونده خودش به یاد آن بیفتد و در ذهنش به شباهت بین «شعر» و «حله» فکر کند. فرض کنید بگوییم «امروز شعری بافتم و به دیوار آویختم». همه می‌دانیم فعلی که برای شعر به کار می‌رود، «سرودن» است. گفتنِ «شعری بافتم» مثل این است که بگوییم «شعر مثل حله است» و من «حله (= شعر) بافتم». در این حالت، اسمی از «حله» (که اگر می‌خواستیم تشبیه کنیم، می‌شد «مشبه‌به») نیست و تنها از «شعر» (مشبه) اسم آمده اما به همراه یک ویژگی‌ای که قطعاً شنونده را به یاد «حُله» بیندازد؛ بافتن.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۲۶- در کدام گزینه اضافهٔ استعاری دیده می‌شود؟

۱) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد — اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
۲) گر ز آتش عشق تو چو شمع از ره تحقیق — سوزیم همی خوش خوش تا هیچ نمانیم
۳) سروبالای کمان‌ابرو اگر تیر زند — عاشق آنست که بر دیده نهد پیکان را
۴) تو را لبی است ز چشم ستاره خندان‌تر — مرا دلی ز دهان تو تنگ میدان‌تر

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در این بیت «چشم ستاره» اضافهٔ استعاری است.

تشخیص استعارهٔ مکنیه:

۱) اضافه‌های ملکیِ غیرحقیقی (به کادر درسنامه رجوع کنید)
۲) جمله‌هایی که فعل و نهاد ناسازگاری دارد؛ یعنی فعل و نهاد نشان می‌دهند که یک معنی مجازی در میان است. ← مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر
۳) جمله‌هایی که فعل و مفعول ناسازگاری دارند؛ یعنی در کنار هم آمدن آن فعل و مفعول معنایی غیرحقیقی را به ذهن ما بیاورد ← به دل مهر کاشتم.
۴) خطاب‌کردن غیرانسان: وقتی منادا غیرانسان است و به چیزی جز انسان هم اشاره می‌کند.
۵) صفت و موصوف: وقتی صفتِ یک واژه لزوماً با معنی مجازی آن همراه است ← چرخ ظالم (ظالم‌دانستن آسمان یعنی نخست آن را به انسان تشبیه کرده‌ایم)

اضافهٔ استعاری:

اضافهٔ استعاره وقتی شکل می‌گیرد که پای معنی مجازی به میان بیاید. وقتی چیزی که به «علی» نسبت می‌دهیم که نتواند در دنیای واقعی مالِ او باشد؛ یعنی فقط در دنیای ادبیات بتوان به نسبت «علی» و آن چیز فکر کرد. مثلاً «بال‌های علی» چنین اضافه‌ای است؛ در آن، ویژگی یا چیزی به «علی» نسبت داده شده که علی از داشتن آن در دنیای واقعی عاجز است.

نمونه:

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید — شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد (حقیقت مانند کاخی که پیشگاه دارد)
تو را ز کنگرهٔ عرش می‌زنند صفیر — ندانمت که در این دامگه چه افتاده است (عرش مانند برج و بارویی که کنگره دارد)
طلوع باده ز شام و سحر دریغ مدار — ز خاک جرعهٔ خود چون قمر دریغ مدار (باده مانند خورشیدی که طلوع می‌کند)

اسم ـِ اسم
ویژگی یا خبر مشبّه‌به — مشبّه

بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینهٔ «۱»، «اکسیر عشق» و در گزینهٔ «۲»، «آتش عشق» اضافهٔ تشبیهی هستند. در گزینهٔ «۳» ترکیب اضافی به‌کار نرفته است .

گروه آموزشی ماز

۲۷- کدام بیت آرایه «تشخیص» ندارد؟

۱) فلک با مردم ممتاز خصمی بیشتر دارد — کمان اول کند آواره تیر روی ترکش را
۲) ای غنچهٔ خندان چرا خون در دل ما می‌کنی — خاری به خود می بندی و ما را ز سر وا می کنی
۳) نالهٔ من هر شبی کم باشدی از آسمان — در غمت گر جز کواکب غمگساری دارمی
۴) اگر برفت دل از دست، گو برو که مرا — به جای دل سر زلف نگار در چنگ است

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

منظور از «غنچهٔ خندان» معشوق است و تشخیص ندارد. اگر غیر انسان منادا شود به شرطی تشخیص داریم که منادا در معنای واقعی خود به‌کار برود.

توجه:

اگر کلمه‌ای که مورد ندا قرارمی‌گیرد انسان نباشد و در معنی واقعی خود به‌کار رفته‌باشد حتما تشخیص داریم چون منادا واقع‌شدن یک ویژگی انسانی است.
مثال: ای بلبل شوریده دیوانه تویی یا ما — جویای رخ خوب جانانه تویی یا ما (بلبل تشخیص دارد چون در معنی خود بلبل به‌کار رفته است.)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مصراع اول: دشمن‌بودن فلک با مردم ممتاز — مصراع دوم: تیر کمان را آواره می‌کند.
۳) غمگساری کواکب به معنای غمخواری ستارگان؛ نسبت‌دادن فعلی انسانی به غیرانسان
۴) مخاطب فعل برو در مصراع اول کدام واژه است؟ دل! یعنی شاعر با دل خود سخن می‌گوید که تشخیص است.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۲۸- واژهٔ مشخص‌شده در کدام بیت استعارهٔ آشکار ساخته‌است؟

۱) برو ای راه ره‌پیما، بدان خورشید جان‌افزا — از این مجنون پر سودا ببر آن‌جا سلامی را
۲) اگـر کسی به جهان در، کسـی دگر دارد — من غریب ندارم مگر تو را ای دوست
۳) گفتـم ای غافل نبینی کوه با چندین وقار — همچو طفلان دامنش پر ارغوان و یاسمین
۴) ای آسمـان تو جامه کبود از چه کرده‌ای — آری مگر تو نیز مصیبت‌رسیده‌ای؟

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در بیت: واژهٔ خورشید استعارهٔ مصرحه از یار است و مشبّه محذوف آن یار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) جهان در معنای واقعی خود آمده است و استعاره نیست.
۳) کوه در بیت ۳ جان‌بخشی دارد؛ چون به آن وقار نسبت داده شده است اما تشخیص زیرمجموعهٔ استعارهٔ مکنیه است.
۴) آسمان هم در این بیت به خاطر این که منادا واقع شده است تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارد.

صدا زدن غیرانسان حتماً استعاره است، اما به دو نوع:
الف: اگر مخاطب واقعاً غیرانسان باشد تشخیص و استعارهٔ مکنیه است (مثل آسمان در بیت ۴ که شاعر واقعاً با آسمان صحبت می‌کند.).
ب: اگر مخاطب یک انسان باشد اما با نام دیگری مثل ماه، بت، گل، سرو و ... صدا زده شود استعارهٔ مصرحه است.

گروه آموزشی ماز

۲۹- در کدام بیت هر دو نوع استعاره دیده می‌شود؟

۱) فغـان که آن مـه نامـهـربان مهـرگسل — به ترک صحبت یاران خود چه آسان گفت
۲) دل نیازارد ز حرف سخت هـرگز سنگ را — هر که داند کوه عاجز نیست در رد جواب
۳) ای نسـیم سحـر آرامگه یـار کجاست — منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست
۴) غـلام قـامت آن لعبت قبـاپوشم — که در محبت رویش هزار جامه قباست

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در بیت ۳ نسیم سحر به جهت صدا زده شدن تشخیص و در نتیجه استعارهٔ مکنیه دارد و «مه» در مصراع دوم استعارهٔ مصرحه از معشوق است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «مه» استعاره از معشوق شاعر است و باید توجه کرد که چون منظور از واژهٔ «مه» یک انسان است نسبت دادن صفت نامهربان و مهرگسل به آن تشخیص نمی‌سازد.
۲) سنگ و کوه در این بیت تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارند اما بیت استعارهٔ مصرحه ندارد.
۴) «لعبت» استعاره از معشوق.

گروه آموزشی ماز

۳۰- توضیح مقابل کدام بیت نادرست است؟

۱) میان موج حوادث هر آنکه ایستاده است — بـه آشـنا نرهـد چـون کـه آشـنای تـو نیسـت (اسـتعارهٔ مکنیـه و تشـخیص)
۲) اذان فاختـه دیدیـم و قامـت اشجار — خمـوش کـن کـه سـخن شـرط نیسـت وقـت صـلات (دو اسـتعارهٔ مکنیـه)
۳) باده از دست حریفان ترش روی منوش — کـه بـه بـاطن همـه نـیش‌انـد و بـه ظـاهر همـه نـوش (اسـتعاره نـدارد)
۴) از زبان سوسـن آزاده‌ام آمـد به گوش — کاندر این دیرکهن کار سبکباران خوش است (یک استعارهٔ مصرحه و یک استعارهٔ مکنیه)

پاسخ: گزینه ۱ (دشوار ـ مفهومی ـ آرایه‌های ادبی)

پاسخ تشریحی:

در بیت ۱ موج حوادث استعارهٔ مکنیه است، اما تشخیص نیست چون ویژگی انسانی به غیرانسان داده نشده است.

توجه: هر تشخیصی استعارهٔ مکنیه است اما هر استعارهٔ مکنیه‌ای تشخیص نیست.

AzmonVIP
www.biomaze.ir

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «اذان فاخته» و «قامت اشجار (درختان)» دو تشخیص و استعارهٔ مکنیه هستند.

۳) در مصراع دوم نیش و نوش تشبیه دارند و بیت استعاره ندارد.

۴) این که سوسن زبان دارد و حرف می‌زند، تشخیص دارد و «دیر کهن» در مصراع دوم استعارهٔ مصرحه از دنیاست.

گروه آموزشی ماز

۳۱- کدام گزینه با «بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق / این ساز شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است» تناسب مفهومی دارد؟

۱) با چون خودی درافکن اگر پنجه می‌کنی — ما خود شکسته‌ایم چه باشد شکستِ ما

۲) دلی شکسته و جانی نهاده بر کف دست — بگو بیار که گویم بگیر هان ای دوست

۳) بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر — که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

۴) دل شکستهٔ من تا به کی حزین باشد؟ — دلا مشو ملول، عاشقی چنین باشد

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ مفهومی ـ قرابت معنایی)

پاسخ تشریحی:

در بیت صورت سؤال سخن از این است که دل‌های شکسته، خوش‌آهنگ‌تر و بنابراین ارزشمندتر هستند. این مفهوم، یعنی «ارزشمند بودن دل شکسته»، در گزینهٔ «۳» در بیان حافظ چنین شکل گرفته است:

معامله‌ای بکن و دل شکستهٔ من را بخر، زیرا با این که شکسته است، اما صدها هزار برابر از دل‌های سالم ارزشمندتر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) اگر قصد جنگ و نبرد داری، با کسی همچون خودت مبارزه کن، ما خود شکست خورده هستیم، شکست دادن ما ارزشی ندارد! ← مزن بر سر ناتوان دست زور

۲) ای دوست اگر تو دل شکسته و جان مرا بخواهی، دریغ نمی‌کنم، کافی است بگویی آن‌ها را بیاور تا من آن‌ها را تقدیم تو کنم. ← جان‌فشانی در راه دوست

۴) دل شکستهٔ من مشخص نیست تا کی باید غمگین و ناراحت باشد، جای شکایتی نیست زیرا عاشقی همین است. ← عاشقی همراه با درد و غم است.

گروه آموزشی ماز

۳۲- تصویر مصراع نخست در بیت «ای سرو پای‌بسته به آزادگی مناز / آزاده من که از همه عالم بریده‌ام» در کدام بیت تکرار شده است؟

۱) جامهٔ آزادگی چالاک باشد سرو را — جیب و دامن، فارغ از خاشاک باشد سرو را

۲) بی‌بری دارالامان مردمِ آزاده است — کی دل از بی‌حاصلی غمناک باشد سرو را

۳) از علایق خط آزادی ندارد هیچ‌کس — دام‌ها از ریشه زیر خاک باشد سرو را

۴) همّت از خاکی نهادان جو که با آن سرکشی — قوّتِ نشو و نما از خاک باشد سرو را

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ مفهومی ـ قرابت معنایی)

پاسخ تشریحی:

در مصراع نخستِ بیت صورت سؤال، به تصویر «آزاده نبودن سرو به‌علت پای‌بسته بودن» پرداخته شده است.

در گزینهٔ (۳) شاعر همین تصویر را تکرار کرده است: هیچ‌کس از علایق و تعلقات آزاد نیست، حتی سرو نیز به واسطهٔ ریشه‌های زیر خاک، وابسته به خاک است و ریشه‌ها در واقع دام‌هایی هستند که او را به زمین وابسته کرده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) درخت سرو آزاده است و وابستگی به تعلقات دنیوی ندارد.

۲) درخت سرو از بی‌حاصلی غمناک نیست.

۴) سرو، قدرت رشد و بالابلندی‌اش را از خاکِ افتاده و متواضع دریافت می‌کند.

سرو نماد آزادگی در ادبیات فارسی است؛ «بی‌ثمری» و بی‌بَری سرو دست‌مایهٔ ساختن مفاهیم متعددی شده‌است.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۳۳- کدام بیت با «تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من / هیچ‌کس می‌نپسندم که به جای تو بود» تقابل مفهومی دارد؟

۱) وفا و عهـــد مودّت میان اهـــل ارادت / نه چون بقای شکوفه است و عشق‌بازی بلبل
۲) به جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی / چرا نظر نکنی یار سروبالا را؟
۳) خیـــال در همه عالـم برفت و بازآمد / که از حضور تو خوش‌تر ندید جایی را
۴) بعد از این مـــا و سرِ کوی دلارای دگر / با غزالی به غزال‌خوانی و غوغای دگر

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ قرابت معنایی)

پاسخ تشریحی:

در بیت صورت سؤال شاعر می‌گوید: از زمانی که مهر تو در دل من هست، نمی‌پسندم مهر دیگری در دلم باشد. پس مفهوم کلی این بیت را می‌توانیم «وفاداری عاشق» بدانیم. ولی در گزینهٔ (۴) کاملاً برعکس، عاشق سرِ بی‌وفایی دارد و با بیت صورت سؤال، مفهومی متفاوت دارد: بعد از این، ما به سراغ معشوقی دیگری می‌رویم و با او به غزل‌خوانی می‌پردازیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) وفاداری عاشقان مانند عُمر شکوفه و عشق‌بازی بلبل (زودگذر) نیست. ← وفاداری عاشقان
۲) توصیه به توجه کردن به معشوق و برتری داشتن معشوق بر زیبایی‌های عالم طبیعت
۳) خیال من به همه جا رفت و نهایتاً بازگشت، زیرا از محضر تو بهتر و خوشتر جایی را نیافت. ← وفاداری عاشق، ترجیح معشوق بر سایرین

مضمون: وفاداری عاشق

عاشق ادبیات فارسی، به‌جز در دوره‌ای محدود (که آن را به‌نام وقوع یا شاید واسوخت بعداً خواهید شناخت) سرسختانه، و بی‌قیدوشرط، پایبند و وفادار است. مفاهیم مربوط به این مضمون کلی را از طریق ابیات کتاب درسی یاد بگیرید:

جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را / ور قصد آزارم کنی هرگز نیازارم تو را ← پایداری و باوفایی عاشق باوجود بی‌اعتنایی معشوق
مرا در دل درخت مهربانی / به چه ماند؟ به سرو بوستانی ← پایبندی عاشق
گفتی: «به روزگاران، مهری نشسته» گفتم / بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران ← وفاداری عاشق در طول زمان
سعدی نظر از رویت کوته نکند هرگز / ور روی بگردانی، در دامنت آویزد ← پایداری و باوفایی عاشق باوجود بی‌اعتنایی معشوق
تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان / تا وجودم هست خواهد بود نقشت در ضمیر ← پایداری عاشق حتی تا زمان مرگ
بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آنگه که باشم خفته در خاک ← پایداری عاشق حتی تا زمان مرگ

گروه آموزشی ماز

۳۴- کدام بیت مفهومی متفاوت با سایر ابیات دارد؟

۱) خواهی که کشی یاری آن یار منـم آری / گر کشتنی‌ام باری در پای تو اولی‌تر
۲) خود نیست جز این آرزویم تا سپرم جان / آرام و دلارام بدان خاک که زادم
۳) زبان تیشـــه با فرهاد گفتـــا در دم رفتن / که راه کوی شیرین را ز سر باید قدم کردن
۴) در قدمگـــاه محبت پا منه، بردار دســـت / یا اگر پا می‌گذاری ترک سر باید نمود

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ قرابت معنایی)

پاسخ تشریحی:

در این گزینه شاعر آرزو دارد تا در وطنش جان دهد: جز این آرزویی ندارم که تا در آن سرزمینی که متولد شدم جان دهم. اما مفهوم سایر گزینه‌ها «جان‌فشانی در راه عشق و معشوق» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) اگر قصد داری یار و دوستی را بکُشی، آن یار من هستم، اگر قرار است روزی بمیرم بهتر است در پای تو کشته شوم.
۳) تیشه با زبان بی‌زبانی به فرهاد گفت: برای رسیدن به کوی شیرین (معشوق) باید جان دهی.
۴) یا در راه عشق و محبت قدم مگذار یا اگر می‌گذاری باید ترک جان کنی.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۳۵- کدام ابیات با «کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب / تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند» تناسب مفهومی دارند؟

الف: سخن باید که باشد آن‌قدرها دل‌نشین، «صائب» / که از مشکل‌پسندان واکشد بی‌خواست، تحسین را

ب: عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی / ندارد ورنه جنسی غیر یوسف کاروان ما

ج: هر شعر آبدار که دل می‌برد ز جا / هر مصرعش به سرو روانی برابر است

د: هرجا که شعر «صائب» شیرین کلام هست / آب حیات و چشمهٔ کوثر چه حاجت است

هـ: ز شعر هر که کند آبرو طمع «صائب» / توقع از گل کاغذ، گلاب می‌دارد

۱) «ج» - «ب» ۲) «د» - «هـ» ۳) «د» - «ب» ۴) «ج» - «الف»

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ مفهومی ـ قرابت معنایی)

پاسخ تشریحی:

در بیت صورت سؤال، حافظ از شعر و قدرت شاعری خود ستایش کرده است و شعر خود را ستوده است: از زمانی که قلم با سخن آشنا شده است (از ازل) هیچ‌کس مانند حافظ اشعاری پرمغز و نغز نگفته است. در ابیات «ب» و «د» نیز این خودستایی در شعر و شاعری دیده می‌شود.

بررسی موارد:

«الف»: سخن باید آن‌قدر دلنشین و جذاب باشد که حتی افراد مشکل‌پسند نیز آن را تحسین کنند ← تحسین دیگران، ویژگی شعر خوب

«ب»: انسان قدردانی در عالم سخنوری و سخن‌دانی وجود ندارد وگرنه تمام اشعارم زیبا و بی‌نظیر است ← شکایت از سخن‌نشناس بودن مردم + ستایش از شعر خود

«ج»: هر مصراع شعر خوب، ارزشی برابر با انسانی بالابلند و زیبارو دارد ← ارزش شعر خوب

«د»: هرجا که اشعار من باشد، نیازی به آب حیات (که عُمر جاودان می‌بخشد) و چشمهٔ بهشتی کوثر نیست. (شعر من از آب حیات و چشمهٔ کوثر نیز برتر است) ← ستایش شعر خود

«هـ»: هرکس قصد دارد با شعر و شاعری به آبرویی برسد، مانند کسی است که قصد دارد از گل مصنوعی، گلاب بگیرد! ← امکان کسب آبرو با شعر وجود ندارد.

۳۶- به‌ترتیب «جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم»، «استفاده از بمب اتم برای اولین بار در این جنگ» و «جنگ در فرهنگ و جامعهٔ جدید غربی از نظر کنت» کدام است؟

۱) بحران موشکی کوبا ـ جنگ جهانی اول ـ امری اجباری
۲) جنگ ویتنام ـ جنگ جهانی اول ـ امری ذاتی
۳) بحران موشکی کوبا ـ جنگ جهانی دوم ـ امری تحمیلی
۴) جنگ ویتنام ـ جنگ جهانی دوم ـ امری عارضی

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۱۰)

پاسخ تشریحی:

- جنگ ویتنام، جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت.
- در جنگ جهانی اول برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم، برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.
- از نظر آگوست کنت، جنگ در فرهنگ و جامعهٔ جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است.

جنگ ویتنام که جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت، زمانی آغاز شد که آتش جنگ کره به تازگی خاموش شده بود. در این دو جنگ، نیروهای آمریکا و شوروی در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند. بحران موشکی کوبا جهان را تا آستانهٔ جنگ جهانی سوم پیش برد.

گروه آموزشی ماز

۳۷- در ارتباط با نظریهٔ «جنگ تمدن‌ها»، پاسخ سوال‌های زیر به‌ترتیب کدام است؟

الف: این نظریه را چه کسی مطرح کرد؟

ب: این نظریه چه چیزی را توجیه می‌کرد؟

پ: رقابت و درگیری اصلی در این جنگ، بین کدام گروه‌ها به وقوع خواهد پیوست؟

۱) ساموئل هانتینگتون ـ انتقال جنگ از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر ـ بین دولت، ملت‌ها
۲) آگوست کنت ـ عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی ـ بین دولت، ملت‌ها
۳) ساموئل هانتینگتون ـ عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی ـ بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ
۴) آگوست کنت ـ انتقال جنگ از کشورهای غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر ـ بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۰)

بررسی موارد:

«الف»: نظریهٔ جنگ تمدن‌ها را ساموئل هانتینگتون مطرح کرد.

«ب»: این نظریه، عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد.

«پ»: رقابت‌ها و درگیری‌ها بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ به وقوع خواهد پیوست.

هانتینگتون از آخرین مرحلهٔ درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت ـ ملت‌ها بازیگران اصلی صحنهٔ روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت ـ ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.

گروه آموزشی ماز

۳۸- در ارتباط با اصطلاح «مرکز و پیرامون» کدام گزینه نادرست است؟

۱) اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد.
۲) این اصطلاح را کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند.
۳) بر اساس این نظریه، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند.
۴) جوامع غربی با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، انتقال سرمایه از کشورهای مرکز به کشورهای پیرامون را آسان می‌کنند.

پاسخ: گزینه ۴ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۱۰)

پاسخ تشریحی:

کشورهای غربی با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز را آسان می‌کنند.

کشورهای غربی با ثروت به دست آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

AzmonVIP

۳۹- به‌ترتیب ویژگی مشترک «بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا» کدام است و کدام ویژگی مختص بحران اقتصادی است؟

۱) داشتن هویت اقتصادی ـ چالشی همیشگی است.
۲) داشتن هویت سیاسی ـ در ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شد.
۳) داشتن هویت اقتصادی ـ در صورت عدم کنترل منجر به فروپاشی حکومت‌ها می‌شود.
۴) داشتن هویت سیاسی ـ آسیب‌های آن تمامی جامعه را در برمی‌گیرد.

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۱۱)

پاسخ تشریحی:

چالش فقر و غنا و بحران اقتصادی، هر دو هویت اقتصادی دارند.

بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است و آسیب‌های مربوط به آن تمامی جامعه را در بر می‌گیرد و در صورت عدم کنترل منجر به فروپاشی حکومت‌ها می‌شود.

بررسی گزینه‌ها:

۱) درست ـ نادرست (مربوط به چالش فقر و غنا است.)
۲) نادرست (هویت اقتصادی دارد.) ـ درست
۳) درست ـ درست
۴) نادرست (هویت اقتصادی دارد.) ـ درست

چالش فقر و غنا، چالشی همیشگی است و آسیب‌های مربوط به آن همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است.

گروه آموزشی ماز

۴۰- در نگاه اساطیری، طبیعت چه ماده‌ای است و انسان مدرن به چه دلیلی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد؟

۱) مادهٔ خامی است که انسان اجازه هر گونه تصرفی را در آن دارد. ـ نگاه اساطیری
۲) مادهٔ خامی است که انسان اجازه هر گونه تصرفی را در آن دارد. ـ نگاه دنیوی
۳) مادهٔ خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است. ـ نگاه دنیوی
۴) مادهٔ خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است. ـ نگاه اساطیری

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۱۱)

پاسخ تشریحی:

- در نگاه اساطیری، طبیعت ماده خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.
- انسان مدرن به دلیل نگاه دنیوی، نگاه معنوی و دینی را به طبیعت کودکانه می‌پندارد.

نگاه فرهنگ‌ها به طبیعت	فرهنگ مدرن: طبیعت مادهٔ خامی است که انسان اجازهٔ هر گونه تصرفی را در آن دارد.
	فرهنگ توحیدی: طبیعت و هر آنچه در آن است، آیات و نشانه‌های حضور خداوندند.
	فرهنگ اساطیری: طبیعت مادهٔ خام نیست بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.

گروه آموزشی ماز

۴۱- هر یک از ویژگی‌های زیر به ترتیب، به کدام مفهوم اشاره دارد؟

الف: آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می‌کند.

ب: آن را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم نامیده‌اند.

پ: انسان مدرن با آن، تسلط و پیروزی بر طبیعت را نوید می‌داد.

۱) بحران اقتصادی ـ بحران زیست‌محیطی ـ انقلاب صنعتی
۲) چالش فقر و غنا ـ بحران معرفتی ـ انقلاب صنعتی
۳) بحران اقتصادی ـ بحران معرفتی ـ ساخت موتور بخار
۴) چالش فقر و غنا ـ بحران زیست‌محیطی ـ انقلاب کشاورزی

www.biomaze.ir

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۱)

بررسی موارد:

«الف»: بحران اقتصادی، آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می‌کند.

«ب»: بحران زیست‌محیطی را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم نامیده‌اند.

«پ»: انسان مدرن با انقلاب صنعتی، تسلط و پیروزی بر طبیعت را به خود نوید می‌داد.

امروزه بحران‌های زیست محیطی به منطقهٔ خاصی محدود نمی‌شوند و همهٔ محیط طبیعی زندگی انسان، آب، خاک و هوا را فرا گرفته‌اند. شهرهای صنعتی، اولین مراکزی بودند که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند. پس از آن با گسترش زندگی مدرن در جهان، انواع آسیب‌های زیست‌محیطی نیز به سرعت گسترش یافتند.

گروه آموزشی ماز

۴۲- به‌ترتیب «تردید دربارهٔ مبانی علوم تجربی غربی» و «تردید در روشنگری» در قرن بیستم به منزلهٔ تردید در چه بود؟

۱) بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب ـ هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن
۲) فلسفه‌های روشنگری ـ هویت انسان‌شناختی جهان مدرن
۳) سازگاری بین سیاست و اقتصاد غرب ـ معرفت‌های حسی و تجربی
۴) اصل روشنگری ـ اندیشه‌های پسامدرن

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۱۲)

پاسخ تشریحی:

تردید دربارهٔ مبانی علوم تجربی غربی در حقیقت تردید دربارهٔ بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفهٔ روشنگری بود.

تردید در روشنگری به منزلهٔ تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

ابعاد بحران معرفتی ـ علمی

۱- افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پست‌مدرن: وابستگی علوم تجربی به مبانی غیرتجربی ← مخدوش شدن استقلال معرفت علمی ـ تجربی ← مورد تردید قرار گرفتن هویت روشنگرانهٔ آن

۲- ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن: ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود در شرایط نیاز اقتصاد و سیاست غرب به این حضور ← ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن

گروه آموزشی ماز

۴۳- هریک از عبارات زیر به‌ترتیب مربوط به کدام فرهنگ، دوران و قرن است؟

الف: کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود.

ب: شناخت علمی در جهان غرب از راه عقل و تجربه صورت می‌گرفت.

پ: با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت.

۱) فرهنگ رنسانس ـ دوران قرون وسطی ـ نیمهٔ اول قرن بیستم
۲) فرهنگ رنسانس ـ دوران غرب جدید ـ نیمهٔ دوم قرن نوزدهم
۳) فرهنگ قرون وسطی ـ دوران رنسانس ـ نیمهٔ دوم قرن بیستم
۴) فرهنگ قرون وسطی ـ دوران غرب جدید ـ نیمهٔ اول قرن نوزدهم

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۲)

بررسی موارد:

«الف»: در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود.

«ب»: در دوران رنسانس، جهان غرب، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.

«پ»: در نیمهٔ دوم قرن بیستم، با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت.

در نیمهٔ اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد. در نیمهٔ دوم قرن بیستم مشخص شد که علم تجربی غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می تواند وجود داشته باشد.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۴۴- در بین عبارات زیر کدام موارد نادرست است؟

الف: جامعه‌شناسان در پایان قرن بیستم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند.

ب: ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌ها و بحران‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی و ... ظاهر می‌شوند.

پ: بحران اقتصادی همواره با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.

ت: تقابل شمال و جنوب تقابلی جهانی است و در صورتی که فعال شود، بسیاری از چالش‌های درونی کشورهای غربی، دیگر بار فعال خواهند شد.

۱) «الف» و «ب» ۲) «الف» و «پ» ۳) «ب» و «پ» ۴) «پ» و «ت»

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار ـ ترکیبی ـ ۱۱۱۲)

پاسخ تشریحی:

موارد «الف» و «پ» نادرست و موارد «ب» و «ت» درست هستند.

«الف»: جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند.

«پ»: بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن می‌افزاید.

چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی می‌مانند. چالش‌های ایجاد شده در جهان در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از درون فرهنگ غرب برمی‌خیزند. علت این چالش‌ها درونی است نه بیرونی؛ به همین دلیل فرهنگ غرب نمی‌تواند آن را به دیگران نسبت دهد.

گروه آموزشی ماز

۴۵- پاسخ پرسش‌های زیر به‌ترتیب کدام است؟

الف: روشنگری مدرن از قرن نوزدهم مبتنی بر چه بود؟

ب: بحران زیست‌محیطی ابتدا در کدام حوزه قرار داشت؟

پ: از تقابل کدام کشورها به تقابل شمال و جنوب یاد می‌شود؟

۱) وحی و شهود ـ حوزهٔ رابطهٔ انسان با طبیعت ـ کشورهای مرکز و پیرامون

۲) حس و تجربه ـ حوزهٔ رابطهٔ انسان‌ها با یکدیگر ـ کشورهای جهان اول و دوم

۳) وحی و شهود ـ حوزهٔ روابط انسان‌ها با یکدیگر ـ کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته

۴) حس و تجربه ـ حوزهٔ رابطهٔ انسان با طبیعت ـ کشورهای فقیر و غنی

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ ترکیبی ـ ۱۱۱۲)

بررسی موارد:

«الف»: روشنگری مدرن از قرن نوزدهم مبتنی بر حس و تجربه بود.

«ب»: بحران زیست‌محیطی ابتدا در حوزهٔ رابطهٔ انسان با طبیعت قرار داشت و سپس به روابط انسان‌ها با یکدیگر سرایت کرد.

«پ»: از تقابل کشورهای فقیر و غنی به تقابل شمال و جنوب یاد می‌شود.

از آنجا که بیشتر کشورهای صنعتی و ثروتمند در نیمکرهٔ شمالی زمین و اغلب کشورهای فقیر در نیمکرهٔ جنوبی زمین قرار دارند، از تقابل کشورهای فقیر و غنی به تقابل شمال و جنوب یاد می‌شود. مفاهیم شمال و جنوب عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد؛ زیرا برخی اندیشمندان معتقد بودند که چالش اصلی بین دو بلوک شرق و غرب، نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

AzmonVIP

۴۶- پاسخ هریک از پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- وجه اشتراک حل مسئله و تصمیم‌گیری چیست؟

- تعریف تصمیم‌گیری کدام است؟

- حضرت علی (ع) شرط تصمیم‌گیری را چه می‌داند؟

۱) روبه‌رو بودن با یک مسئله ـ ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه ـ رسیدن به یقین
۲) انتخاب بهترین اولویت ـ ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه ـ رسیدن به یقین
۳) روبه‌رو بودن با یک مسئله ـ بازآفرینی همهٔ گزینه‌های احتمالی ـ مشورت کردن با دیگران
۴) انتخاب بهترین اولویت ـ بازآفرینی همهٔ گزینه‌های احتمالی ـ مشورت کردن با دیگران

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۶)

بررسی موارد:

- تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است؛ چون تصمیم‌گیرندگان با این مسئله مواجه هستند که بهترین انتخاب چیست. از این جهت افراد هم در حل مسئله و هم در تصمیم‌گیری، با مسئله روبه‌رو هستند.
- تصمیم‌گیری یعنی ارزیابی راه‌های مختلف و انتخاب بهترین راه.
- حضرت علی (ع) در حکمت ۲۷۴ نهج البلاغه می‌فرمایند:«چون به یقین رسیدید، اقدام کنید.» ایشان شرط تصمیم‌گیری را رسیدن به یقین می‌دانند.

گروه آموزشی ماز

۴۷- علی و امیر دربارهٔ آیندهٔ خود با هم در حال گفت‌وگو هستند. کدام گزینه در ارتباط با نوع تصمیم‌گیری این دو فرد، صحیح است؟

«علی می‌گوید: من هم به رشتهٔ حسابداری علاقه دارم و هم به رشتهٔ حقوق. امیر پاسخ می‌دهد: گزینه‌های من متفاوت‌تر است؛ من به مهاجرت، ادامه تحصیل یا کار کردن در مغازهٔ پدرم فکر می‌کنم اما از طرفی دوست دارم یک کسب‌وکار مجازی نیز داشته باشم.»

۱) تصمیم علی، مهم پیچیده است اما تصمیم امیر معمولی ساده است.
۲) امیر با یک تصمیم مهم پیچیده روبه‌روست اما تصمیم علی مهم ساده است.
۳) تصمیم‌گیری امیر و علی به‌ترتیب، معمولی پیچیده و معمولی ساده است.
۴) علی با تصمیم مهم ساده مواجه است و امیر با تصمیم معمولی پیچیده روبه‌رو است.

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۶)

پاسخ تشریحی:

علی و امیر دربارهٔ آینده شغلی و تحصیلی خود در حال گفت‌وگو هستند که از اهمیت بالایی برخوردار است، پس تصمیم هر دو نفر با توجه به درجهٔ اهمیت، مهم است.

از طرف دیگر علی با دو اولویت روبه‌رو است درحالی‌که امیر با چهار انتخاب مواجه است؛ پس تصمیم علی ساده و تصمیم امیر پیچیده است.

انواع تصمیم‌گیری:

تصمیم‌گیری را براساس معیار و ملاک‌هایی می‌توان به انواعی تقسیم کرد؛ این ملاک‌ها عبارت‌اند از:

۱) تعداد اولویت‌ها: هرچه تعداد اولویت‌ها و گزینه‌ها بیشتر باشد، تصمیم پیچیده‌تر است و هرچه تعداد آن‌ها کمتر باشد، تصمیم ساده‌تر است.
۲) اهمیت تصمیم: براین اساس تصمیم‌ها به مهم و معمولی تقسیم می‌شوند.
۳) تعداد افراد تصمیم‌گیرنده: تصمیمات به فردی و گروهی تقسیم می‌شوند.

گروه آموزشی ماز

۴۸- هریک از افراد زیر بر مبنای کدام یک از ملاک‌های سه‌گانهٔ تصمیم‌گیری، عمل کرده‌اند؟

- عباس با وجود اینکه می‌داند سیگار کشیدن باعث ایجاد انواع مشکلات جسمانی می‌شود، اما نمی‌تواند آن را ترک کند.

- مهتاب که می‌خواهد هدیه‌ای برای روز مادر بخرد، خرید محصولات مراقبت پوستی را انتخاب می‌کند تا علاوه بر خوشحالی مادرش به سلامت او هم اهمیت داده باشد.

۱) هزینه‌ها ـ مزیت‌ها ۲) خطرها ـ هزینه‌ها ۳) خطرها ـ مزیت‌ها ۴) هزینه‌ها ـ خطرها

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ مفهومی ـ ۱۱۰۶)

بررسی موارد:

- عباس از ملاک خطر استفاده کرده است؛ زیرا با وجود اینکه می‌داند ممکن است سلامتی‌اش را از دست بدهد، اما سیگار کشیدن را ترک نمی‌کند.
- مهتاب به ملاک مزیت توجه داشته است؛ زیرا به دنبال خرید محصولی است که بیشترین سودمندی را به همراه داشته باشد.

مشاوره:
به خاطر داشته باشید که در ملاک تصمیم‌گیری مزیت‌ها، فرد به سودمندی توجه دارد درحالی که در هزینه‌ها فرد به هزینه‌هایی که باید در راه رسیدن به هدف بپردازد توجه می‌کند اما در ملاک تصمیم‌گیری خطر، هیچ اطمینانی در رسیدن به هدف وجود ندارد و خطر به معنای از دست دادن برخی موارد دیگر است.

گروه آموزشی ماز

۴۹- کدام گزینه به درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر اشاره دارد؟

الف: هرچه موضوع تصمیم‌گیری دقیق‌تر باشد، اقدام‌های بعدی هم شفاف‌تر خواهد بود.

ب: هر فردی که دارای مهارت تصمیم‌گیری باشد، بیشتر از دیگران از آسیب‌های روانی و اجتماعی در امان است.

ج: استفاده از سبک تصمیم‌گیری غیرمنطقی، آسیب‌زا است و هر فرد باید همیشه از نوع تصمیم‌گیری منطقی استفاده کند.

د: موفقیت یک انسان و حتی یک جامعه به چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها بستگی دارد.

۱) درست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست
۲) نادرست ـ درست ـ نادرست ـ درست
۳) نادرست ـ نادرست ـ درست ـ نادرست
۴) درست ـ درست ـ نادرست ـ درست

پاسخ: گزینه ۴ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۰۶)

بررسی سایر موارد:

«ج»: سبک غالب هر فردی باید از نوع تصمیم‌گیری منطقی باشد، نه اینکه فرد همیشه از سبک تصمیم‌گیری منطقی استفاده کند.

از سبک تصمیم‌گیری منطقی استفاده کنید!
در بین سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، بهترین سبک، سبک منطقی است اما ممکن است هریک از ما در برخی موقعیت‌ها مجبور شویم از سایر سبک‌های تصمیم‌گیری استفاده کنیم ولی باید بدانیم که سبک غالب هر فردی باید از نوع تصمیم‌گیری منطقی باشد. به خصوص در تصمیم‌گیری‌های مهم استفاده از سبک‌های غیرمنطقی آسیب‌زا و خطرآفرین است.

گروه آموزشی ماز

۵۰- کدام گزینه به تعارض گرایش ـ اجتناب اشاره دارد؟

۱) حسین باید برای خرید خانه‌ای جدید، از آشنایان پول قرض بگیرد.
۲) مهناز که پس‌انداز مشخصی دارد میان خرید کتاب و یک مانتوی جدید مردد است.
۳) مجرمی نمی‌تواند میان معرفی خود به کلانتری و تا آخر عمر فراری بودن، انتخاب کند.
۴) بیماری با وجود خونریزی شدید سرش، نمی‌خواهد درد بخیه زدن را تحمل کند.

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۶)

بررسی گزینه‌ها:

۱) خرید خانهٔ جدید امری مطلوب و قرض گرفتن پول نامطلوب است: تعارض گرایش ـ اجتناب
۲) هر دو امر خرید کتاب و مانتو برای مهناز خواستنی است: تعارض گرایش ـ گرایش
۳) معرفی خود به کلانتری و تا آخر عمر فراری بودن، هر دو نامطلوب است: تعارض اجتناب ـ اجتناب
۴) هر دو مورد خونریزی شدید سر و تحمل درد بخیه برای بیمار نامطلوب هستند: تعارض اجتناب ـ اجتناب

تعارض:
وقتی در موقعیتی باشیم که حتماً باید تصمیم‌گیری کنیم ولی قادر به تصمیم‌گیری نباشیم، حالت عاطفی ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم که تعارض نام دارد.

انواع تعارض:
۱) گرایش، گرایش: زمانی است که تعارض ناشی از ناتوانی در تصمیم‌گیری برای انتخاب دو موضوع جذاب و خواستنی باشد.
۲) اجتناب، اجتناب: زمانی است که فرد باید میان دو گزینه نامطلوب و ناخواستنی یکی را برگزیند.
۳) گرایش، اجتناب: زمانی است که فرد بین دو امر خواستنی و ناخواستنی مواجه است.

گروه آموزشی ماز

۵۱- هریک از افراد زیر با کدام یک از موانع تصمیم‌گیری روبه‌رو هستند؟

- سارا به یکی از خواستگارهای خوبش جواب منفی می‌دهد؛ زیرا سارا یک کارمند ساده اما خواستگارش یک پزشک پردرآمد است.

- آقای کاظمی تمام پس‌انداز و پول فروش وسایل گران خانه را پس از شرکت در یک دورهٔ مجازی آموزش مهارت‌های افزایش درآمد، در بورس سرمایه‌گذاری می‌کند.

۱) کوچک شمردن خود ـ اعتماد افراطی
۲) سوگیری تأیید ـ اعتماد افراطی
۳) کوچک شمردن خود ـ کنترل نکردن هیجانات
۴) سوگیری تأیید ـ کنترل نکردن هیجانات

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۶)

بررسی موارد:

سارا اعتماد به نفس کمی دارد و به دلیل کارمند بودن، خود را لایق ازدواج با یک پزشک نمی‌داند: کوچک شمردن خود

آقای کاظمی به تصمیم‌گیری و اطلاعات خود اعتماد بیش از اندازه دارد و به همین دلیل تمام دارایی خود را در بورس سرمایه‌گذاری کرده است: اعتماد افراطی

موانع تصمیم‌گیری:

موانع تصمیم گیری عبارتند از:

موانع تصمیم‌گیری

۱) سوگیری تأیید: به معنای استفاده از اطلاعاتی که دیدگاه فرد را تقویت و تأیید می‌نماید.

۲) اعتماد افراطی: اعتماد بیش از حد داشتن به اقدامات و تصمیمات خود.

۳) کوچک شمردن خود: دست کم گرفتن خود، عصبانی بودن، ترسو بودن و اعتماد به نفس پایین از موانع تصمیم‌گیری هستند.

۴) کنترل نکردن هیجانات: کنترل نکردن هیجانات، افراد را با شکست در تصمیم گیری روبه‌رو می‌کند.

گروه آموزشی ماز

۵۲- صادق با کدام یک از موانع تصمیم‌گیری مواجه است و چرا این عامل نمی‌تواند ملاک تصمیم‌گیری باشد؟

«محمد از صادق درخواست مبلغی پول به عنوان قرض می‌کند. صادق که به تازگی یک تجربه منفی از پول قرض دادن داشته، با عصبانیت به محمد می‌گوید: تو می‌خواهی از من دزدی کنی!»

۱) کنترل نکردن هیجانات ـ استفاده از اطلاعات غلط
۲) سوگیری تأیید ـ استفاده از اطلاعات غلط
۳) کنترل نکردن هیجانات ـ زودگذر بودن
۴) سوگیری تأیید ـ زودگذر بودن

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۰۶)

پاسخ تشریحی:

- در این مثال صادق از احساس بدی که در تجربه‌های قبلی خود داشته، تأثیر پذیرفته است و با پرخاشگری پاسخ دوست خود را با کلمات بد داده است؛ این موارد نشانگر مانع «کنترل نکردن هیجانات» از موانع تصمیم‌گیری است.
- واکنش‌های عاطفی به دلیل زودگذر بودن، نمی‌تواند ملاک تصمیم‌گیری باشد.

گروه آموزشی ماز

۵۳- با توجه به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب رشتهٔ تحصیلی، هریک از موارد زیر مربوط به کدام یک از مراحل تصمیم‌گیری است؟

- **امنیت شغلی بیشتر رشتهٔ تجربی نسبت به رشتهٔ هنر**
- **مطالعهٔ دقیق دروس طبق یک برنامهٔ هدفمند**
- **انتخاب، میان رشته‌های تجربی، انسانی، هنر و ریاضی**

۱) ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت ـ اجرای بهترین اولویت ـ شناسایی اولویت‌های تصمیم
۲) شناسایی تعداد انتخاب‌ها ـ اجرای بهترین اولویت ـ تعریف تصمیم مورد نظر
۳) ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت ـ تعهد به اجرای اولویت مورد نظر ـ شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های تصمیم
۴) شناسایی تعداد انتخاب‌ها ـ تعهد به اجرای اولویت مورد نظر ـ تعریف تصمیم مورد نظر

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ خط به خط ـ ۱۱۰۶)

پاسخ تشریحی:

تصمیم گیری شامل هفت مرحله است:

مراحل	اقدام مورد نیاز	مثال توضیحی
۱	شناسایی و تعریف تصمیم موردنظر	انتخاب رشتهٔ تحصیلی
۲	شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های آن تصمیم	انتخاب رشتهٔ تحصیلی دورهٔ دوم متوسطه از بین چهار انتخاب
۳	بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت	بررسی دروس هر رشته و ...
۴	ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت	امنیت شغلی و علایق تحصیلی
۵	اجرای بهترین اولویت	انتخاب رشتهٔ علوم انسانی
۶	تعهد و پایبندی به اجرای اولویت موردنظر	مطالعهٔ دقیق هدفمند و کارآمد دروس این رشته
۷	بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت موردنظر	پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۵۴- عبارت‌های «ناگهانی، باعجله و بدون محاسبه» و «کار امروز را به فردا انداختن» مربوط به کدام یک از سبک‌های تصمیم‌گیری هستند؟

۱) احساسی ـ وابسته ۲) تکانشی ـ اجتنابی ۳) احساسی ـ اجتنابی ۴) تکانشی ـ وابسته

پاسخ: گزینه ۲ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۰۶)

پاسخ تشریحی:

- در سبک تصمیم‌گیری تکانشی، فرد به صورت ناگهانی، باعجله و بدون محاسبه تصمیم می‌گیرد. در میان نوجوانان این‌گونه سبک تصمیم‌گیری زیاد دیده می‌شود که بلافاصله با پشیمانی همراه است.
- در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی فرد قصد دارد تصمیم بگیرد اما هیچ‌گاه تصمیم او عملی نمی‌شود. به عبارت بهتر فرد «دست دست می‌کند» یا «کار امروز را به فردا می‌اندازد».

گروه آموزشی ماز

۵۵- هریک از افراد زیر دارای کدام یک از سبک‌های تصمیم‌گیری هستند؟

الف: معصومه که زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذراند، فقط از مغازه‌هایی خرید می‌کند که توسط صفحهٔ بلاگر محبوبش معرفی می‌شود.

ب: معراج برای کسب مهارت نه گفتن در روابطش، از کمک‌های یک مشاور متخصص استفاده می‌کند.

ج: ملیحه تمام پولی را که برای شهریهٔ دانشگاه پس‌انداز کرده بود، برای خرید آخرین مدل یک گوشی همراه پرداخت.

۱) وابسته ـ اجتنابی ـ احساسی ۲) احساسی ـ اجتنابی ـ تکانشی
۳) احساسی ـ منطقی ـ تکانشی ۴) وابسته ـ منطقی ـ احساسی

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۶)

بررسی موارد:

«الف»: تصمیم‌گیری معصومه وابسته به تبلیغات بلاگر محبوب او است: سبک تصمیم‌گیری وابسته

«ب»: معراج از مشورت یک فرد متخصص استفاده کرده است: سبک تصمیم‌گیری منطقی

«ج»: ملیحه بر مبنای احساسات و هیجانات خود پس‌اندازش را در جای نامناسب خرج کرده است: سبک تصمیم‌گیری احساسی

سبک های تصمیم‌گیری:

سبک تکانشی: در این سبک، فرد به صورت ناگهانی و باعجله و بدون محاسبه تصمیم‌گیری می‌کند.

سبک احساسی: تصمیم‌گیری در این سبک براساس عواطف و هیجانات زودگذر انجام می‌شود.

سبک وابسته: تبعیت کورکورانه از دیگران ویژگی مشخص این سبک است.

سبک اجتنابی: در این سبک، فرد دست دست می‌کند و کار امروز را به فردا می‌اندازد.

سبک منطقی: بهترین شیوهٔ تصمیم‌گیری است که براساس عقل و منطق و تابع یک روش قاعده‌مند و منظم است.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

■■ عيِّن الأنسب للجواب عن التّرجمة أو المفهوم من أو إلى العربيّة (٥٦ - ٦٠)

٥٦- ﴿لَن تَنالُوا البِرَّ حتّى تُنفِقُوا ممّا تُحِبُّونَ﴾:

١) هرگز نیکی‌ها را به دست نمی‌آورید تا از آنچه دوست می‌دارید ببخشید!
٢) به نیکی‌ها دست نخواهید یافت تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید!
٣) هرگز به نیکی دست نخواهید یافت تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید!
٤) نیکی به دست نمی‌آورید تا از آنچه دوست می‌دارید ببخشید!

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ خط به خط ـ ترجمه)

بررسی گزینه‌ها:

«لَن تَنالُوا: (هرگز) دست نخواهید یافت» مستقبل است، نه مضارع ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

یادآوری:

فعل «مضارع» در ساختارِ [لَنْ + مضارع] به شکلِ «مُستقبل (آینده) منفی» ترجمه می‌شود؛ ضمناً می‌توان در ترجمه‌اش از لفظِ «هرگز» استفاده کرد و این موضوع «اختیاری» است.

مثال: لَن یکتب: نخواهد نوشت / هرگز نخواهد نوشت

بنابراین مبادا بگی «هرگز» توی گزینه‌های (۱) و (۳) اضافیه، اتفاقاً با توجه به نکتهٔ بالا، کاملاً درسته!

«البِرّ: نیکی» مفرد است، نه جمع ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

گروه آموزشی ماز

٥٧- «حصل طلّابنا من أبحاثهم العلميّة على تجارب كثيرة تُساعدهم في معرفة الطّرق الحديثة لتعلّم اللّغة العربيّة!»:

١) دانشجویان ما از پژوهش‌های علمی خود به تجربه‌های بسیاری دست یافتند که به آن‌ها در شناخت راه‌های تازهٔ یادگرفتن زبان عربی کمک می‌کرد!
٢) دانش‌آموزانمان از تحقیقات علمی‌شان تجربه‌های بسیاری را به دست آوردند که به آن‌ها در شناخت روش‌هایی جدید برای یادگیری زبان عربی کمک می‌کرد!
٣) دانش‌آموزان ما از تحقیقات علمی بسیار خود به تجربه‌هایی دست می‌یابند که به آن‌ها در شناخت روش‌های تازهٔ آموختن زبان عربی کمک کرده بود!
٤) دانشجویانمان از پژوهش‌های علمی خودشان تجربه‌های زیادی را به دست آوردند که به آن‌ها در شناخت راه‌هایی جدید برای یاددادن زبان عربی کمک می‌کرد!

پاسخ: گزینه ۱ (دشوار ـ ترکیبی ـ ترجمه)

بررسی گزینه‌ها:

«حصل ... علی: دست یافتند، به دست آوردند» ماضی است، نه مضارع ← رد گزینهٔ ۳

«کثیرة» صفتِ «تجارب» است، نه «أبحاث» ← رد گزینهٔ ۳

بسیار دقت کنید که در تست‌های ترجمه، «صفت» برای موصوف خود ترجمه شود، نه اسم دیگری!

تُساعد: کمک می‌کرد ← رد گزینهٔ ۳

به فعلی که پس از یک اسمِ «نکره» می‌آید و آن را توصیف می‌کند، «جملهٔ وصفیه» می‌گوییم که ساختار ترجمهٔ آن در حالت کلی به شکل مقابل است:

[..... + اسم نکره + «که» + ترجمهٔ فعل (جملهٔ وصفیه)]

اکنون برای ترجمهٔ دقیق «جملهٔ وصفیه» باید دید در جمله، جای خالی را کدام «فعل» پر می‌کند که با توجه به این موضوع چند حالت داریم:

حالت اول: «بدونِ فعل» + «اسم نکره» + «فعل (جملهٔ وصفیه)» —نحوه ترجمه→ مطابق زمان خودِ فعل

مثال: الکتابُ صَدیـــقٌ یُساعـــدکُـــم في الحیاة: کتاب دوستی است که در زندگی به شما کمک می‌کند.
(اسم نکره) (جملهٔ وصفیه (مضارع)) (مضارع)

دقت کنید در این حالت چون قبل از اسم «نکره» فعلی نیامده؛ جملهٔ وصفیه در زمان خودش (مضارع) ترجمه شده.

حالت دوم: «فعلِ ماضی» + «اسم نکره» + «فعلِ ماضی (جملهٔ وصفیه)» —نحوه ترجمه→ «ماضی بعید» یا «ماضی ساده»

مثال: اِشتَریتُ الیوم کـتاباً قَد رأیتُـــه مِن قَبل: امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم (دیدم).
(ماضی) (اسم نکره) (جملهٔ وصفیه (ماضی)) (ماضی بعید (ماضی ساده))

حالت سوم: «فعلِ ماضی» + «اسم نکره» + «فعلِ مضارع (جملهٔ وصفیه)» —نحوه ترجمه→ «ماضی استمراری»

مثال: شاهدتُ طالبـــاً یُطـــالِـــعُ دروسَـه: دانش‌آموزی را دیدم که درس‌های خود را مطالعه می‌کرد.
(ماضی) (اسم نکره) (جملهٔ وصفیه (مضارع)) (ماضی استمراری)

حالت چهارم: «فعلِ مضارع» + «اسم نکره» + «فعلِ مضارع (جملهٔ وصفیه)» —نحوه ترجمه→ «مضارع التزامی» یا «مضارع اخباری»

مثال: أُفَتِّـــشُ عَن مُعـجَـــمٍ یُساعِـــدُنـي في فَهمِ النُّصوص: دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند (می‌کند).
(مضارع) (اسم نکره) (جملهٔ وصفیه (مضارع)) (مضارع التزامی (مضارع اخباری))

AzmonVIP
www.biomaze.ir

با توجه به نکتهٔ گفته‌شده، در عبارت سؤال، «حصل» که فعل قبل از اسم نکره (تجارب) است، ماضی می‌باشد؛ ضمناً «تُساعد» به عنوان «جملهٔ وصفیه» مضارع می‌باشد؛ پس، طبق حالت سوم به شکل «ماضی استمراری» (کمک می‌کرد) ترجمه می‌شود و ترجمه‌اش به شکل «ماضی بعید» (کمک کرده بود) در این حالت اشتباه است.

«الطّرق الحدیثة: راه‌های جدید» ترکیب وصفی «معرفه» است، نه «نکره» ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

سؤال: چرا در ترجمهٔ «الطّرق الحدیثة لتعلّم» حرفِ «لِ : برای» در گزینه‌های (۱) و (۳) ترجمه نشده؟

جواب: سؤال خوبیه! بد نیست این نکته رو بدونی:

در صورتی که ساختارِ [ترکیبِ «وصفی» + «لِ» + «اسم»] بدون حرف «لِ» و به شکلِ یک «گروه اسمی» ترجمه شود، معنا تغییر نمی‌کند (راه‌های تازهٔ یاد گرفتن = راه‌های تازه برای یاد گرفتن). بنابراین اگر در گزینه‌های دیگر غلط بارزتری داشتیم، به این اشتباه توجهی نمی‌کنیم. دقت داشته باشید که در برخی تست‌ها ما باید بین غلط و غلط‌تر، انتخاب کنیم و در این تست در گزینه‌های دیگر، غلط‌های مهم‌تری داریم.

تعلّم: یادگرفتن، یادگیری، آموختن ← رد گزینهٔ ۴

به تشابه دو واژهٔ زیر و تفاوتشان در معنا دقت کنید:

شماره	واژه	معنا	نوع کلمه
۱	«تَعلیم»	«یاد دادن (آموزش)»	مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفْعیل»
۲	«تَعَلُّم»	«یاد گرفتن، یادگیری (آموختن)»	مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل»

گروه آموزشی ماز

۵۸- «الصّدقُ مَعَ الله یتجلّی بإخلاصِ الأعمال لَهُ و الصّدقُ معَ النّاس هو أن لا نَکذبَ علی الآخَرین و نَقول الحقیقة دائماً!»:

۱) صداقت با خداوند با خالص نمودن کارها برای او جلوه می‌کند و صداقت با مردم آن است که به دیگران دروغ نگوییم و همواره حقیقت را بگوییم!

۲) راستگویی با خدا با خالص کردن کارها برایش جلوه‌گر می‌شود و با مردم آن است که به دیگران دروغ نگوییم و همیشه حقیقت را بگوییم!

۳) صداقت با خدا با خالص کردن کارها برایش جلوه می‌کند و صداقت با مردم دروغ نگفتنمان است و همواره حقیقت را بگوییم!

۴) راستگویی با الله تجلی‌اش با خالص نمودن کارها برای اوست و صداقت با مردم آن است که به دیگران دروغ نگوییم و همیشه حقیقت را بگوییم!

پاسخ: گزینه ۱ (آسان ـ خط به خط ـ ترجمه)

بررسی گزینه‌ها:

«یتجلّی: جلوه می‌کند، جلوه‌گر می‌شود» فعل است نه اسم ← رد گزینهٔ ۴

«الصّدق: صداقت، راستگویی» دوم در گزینهٔ (۲) ترجمه نشده ← رد گزینهٔ ۲

توجه: اگر در یک عبارت دو اسم تکرار شود، این تکرار باید در ترجمه‌اش هم لحاظ شود.

مثلاً در این عبارت، «الصّدق» دو بار تکرار شده ولی در گزینهٔ (۲) فقط یک بار در ترجمه آمده که اشتباه است.

«أن لا نَکذبَ: که دروغ نگوییم» فعل است نه مصدر ← رد گزینهٔ ۳

گروه آموزشی ماز

۵۹- عیّن الصّحیح:

۱) علیکم أن تبتعدوا من صلاةٍ لا تُرفَعُ و من دعاءٍ لا یُسمَعُ!: شما باید از نمازی که بالا نمی‌رود و از دعایی که شنیده نمی‌شود دوری کنید!

۲) کادت صدیقتي تقع من الجبل فما تواصل معنا حتّی الأعلی!: دوستم نزدیک بود از کوه بیفتد پس همراهمان تا بالا نرسید!

۳) هل تستطیعین أن تشحني رصید الجوّال عبر الإنترنت!: آیا می‌توانی اعتبار مالی تلفن همراهت را از طریق اینترنت شارژ کنی!

۴) أخذَ المعلّم عهداً من الطّالب ألّا یکرّر أعماله السّابقة!: معلّم از دانش‌آموز برای تکرار نکردن کارهای گذشته‌اش عهدی گرفت!

پاسخ: گزینه ۱ (دشوار ـ ترکیبی ـ ترجمه)

پاسخ تشریحی:

سؤال: آقا «لا تُرفَعُ» مگه مجهول نیست؟ پس چرا توی ترجمه‌اش «شد» نیومده؟ مگه فعل مجهول با «شد» ترجمه نمی‌شد؟

جواب: سؤال خیلی خوبیه! به نکتهٔ زیر دقت کن:

برخی از فعل‌های مجهول بدونِ مصدر «شدن» ترجمه می‌شوند امّا همچنان مجهول هستند.

مثال: قُتِلَ: به قتل رسید یُعَدُّ: به شمار می‌آید

نکتهٔ جالب اینه که «کتاب درسی» در صفحهٔ «۷۱» (چاپ ۱۴۰۲) همین فعل رو به دو شکل ترجمه کرده:

۳ـ لا تُرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود (بالا نمی‌رود)

حالا در این تست و گزینهٔ (۱) از شکل دومش استفاده شده؛ پس کتاب درسی رو با دقت بالایی مطالعه کن!

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) ما تواصلَ: ادامه نداد

www.biomaze.ir
AzmonVIP

به تشابه دو فعل زیر و تفاوتشان در ترجمه که هر دو از ریشهٔ «و ص ل» می‌باشند دقت کنید:

شماره	«ماضی»	«مضارع»	«نوع فعل»
۱	«وَصَلَ: رسید»	«یَصِلُ: می‌رسد»	«ثلاثی مجرّد»
۲	«واصَلَ: ادامه داد»	«یُواصِلُ: ادامه می‌دهد»	«ثلاثی مزید» - باب «مُفاعَلَة»

۳ «رصید الجوّال: اعتبار مالی تلفن همراه» ضمیر ندارد.

۴ «ألّا یکرّر: اینکه تکرار نکند» فعل است، نه مصدر.

گروه آموزشی ماز

۶۰- «گردشگران در روز پنجم درختانی را در جنگلِ روستا دیدند که عمرشان گاهی به دویست سال می‌رسَد!»:

۱) شاهدَ السّائحون في اليوم الخامس أشجاراً في غابة القرية قد تبلغ من العمر مئتي سنة!
۲) شاهدَوا السُّيّاح في خمسة اليوم شجرات في غابة الرّيف قد تبلغ من العمر مئتي سنة!
۳) السَّيّاح رأى في اليوم الخامس شجرات في غابة القرية قد تبلغ من العمر مائتي سنة!
٤) رأتِ السّائحات في خمسة اليوم الخامس أشجاراً في الغابة الرّيف قد بلغ من العمر مائتي سنة!

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ ترکیبی ـ تعریب)

بررسی گزینه‌ها:

«گردشگران: السّائحون، السُّيّاح، السّائحات» جمع است، نه مفرد ← رد گزینهٔ ۳

به دو حالت وزن «فعّال» دقت کنید و آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید:

«فعّال»
- ۱) «فَعّال» — «مفرد» و «اسم مبالغه»
- ۲) «فُعّال» — «جمع مکسّر» و اصولاً «اسم فاعل»

مثال: نَقّاد (نقدکننده، اسم مبالغه)، نُقّاد (نقدکنندگان، اسم فاعل) سَیّاح (گردشگر، اسم مبالغه)، سُیّاح (گردشگران، اسم فاعل)

روز پنجم: الیوم الخامس [«پنجم: الخامس» عدد ترتیبی است نه اصلی] ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

«جنگل» در ترکیبِ «جنگلِ روستا: غابة القرية (الرّيف)» مضاف است؛ پس «ال» نمی‌گیرد ← رد گزینهٔ ۴

اسمی که «مُضاف» است (پس از آن «مضاف‌الیه» می‌آید) هرگز «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.

فعل «دیدند» در گزینهٔ (۲) و در ابتدای جمله به شکل «جمع» آمده که نادرست است.

اگر فاعل پس از فعلِ خود به شکل یک «اسم» بیاید، فعل آن حتماً باید به شکل «مفرد» آورده شود.

در این گزینه نیز چون فاعل به شکل یک «اسم» (السُّيّاح) پس از فعل خود آمده؛ پس فعل آن نیز باید به شکل مفرد (شاهَدَ) می‌آمد.

«گاهی می‌رسد: قد تبلغ» مضارع است، نه ماضی ← رد گزینهٔ ۴

ساختار [قد + مضارع] به شکلِ «گاهی، شاید» + «مضارع» ترجمه می‌شود.

قد نذهب إلى المكتبة: گاهی به کتابخانه می‌رویم، شاید به کتابخانه برویم.

در عبارت فارسی نیز چون کلمهٔ «گاهی» برای فعل (می‌رسد) استفاده شده، با توجه به گزینه‌ها ساختارِ «قد تبلغ» صحیح است.

گروه آموزشی ماز

اقرأ النّصّ التّالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة (٦١ - ٦٤) بما يناسب النّصّ:

يُحكى أنَّ أربعة طُلّاب عَزموا أن يَغيبوا عَن الإمتحان. فاتّصلوا بأستاذِهم و قالوا سَيّارتنا لا تَعمل و نحن الآن في الطّريق و لا نَستطيع أن نَحضر للامتحان. وافق الأستاذ على أن يؤخِّر لهم الإمتِحان لِثَلاثة أيّام. بعد ذلكَ هُم حَضروا للامتِحان و لَمّا نَظروا إلى الأَسئلَة تَعَجّبوا لأنّ الأستاذَ سأل عَن سَبب غَيبتهم و أخذَ مِنهم عَهداً عَلى أن يُجيب كُلّهم سَواء و شَبيه أَجوبة أَصدقائهم. كانَ سأَلهم الأستاذُ «لِمَ ما عملت سيّارتكم؟» و «في أيّ طَريقٍ وقع هذا الحادث؟» و «كَيف إستَطعتم أن تَحلّوا مُشكلتكم؟»! إنّهم تَعلّموا دَرساً لَنْ ينسوه أبداً.

ترجمهٔ متن:

حکایت می‌شود که چهار دانشجو تصمیم گرفتند که از امتحان غایب شوند. پس با استادشان تماس گرفتند و گفتند ماشین ما کار نمی‌کند و ما اکنون در راه هستیم و نمی‌توانیم برای امتحان حاضر شویم. استاد موافقت کرد بر اینکه امتحان را برای آن‌ها به مدت سه روز به تأخیر بیندازد. بعد از آن، آن‌ها برای امتحان حاضر شدند و هنگامی که به سؤالات نگاه کردند، شگفت‌زده شدند زیرا استاد از آنان دربارهٔ علّت غیبتشان پرسیده بود و از آنان پیمان گرفته بود بر اینکه همهٔ آنان یکسان و مانند پاسخ‌های دوستانشان جواب دهند. استاد از آنان پرسیده بود «چرا ماشین شما کار نکرد؟» «و در کدام راه این اتفاق افتاد؟» «چگونه توانستید مشکلتان را حل کنید؟»! آنان درسی را فرا گرفتند که هرگز آن را فراموش نخواهند کرد.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

٦١- عيّن الصَّحيح:

١) الأستاذُ سأل الطّلّاب أَسئلة لا يُمكن لَهم أن يُجيبوا سواءً.
٢) الأستاذُ قَنع بِما قالَ الطّلّاب لَه عَن سَبب غَيبتهم.
٣) الأستاذُ أخَّر الامتحان للطّلّاب لليوم الثّلاثاء.
٤) لَمّا نظر الطّلّاب إلى الأسئلة ما تَعَجَّبوا.

پاسخ: گزینه ۱ (دشوار ـ مفهومی ـ درک مطلب)

بررسی گزینه‌ها:

۱ استاد از دانشجویان سؤالاتی را پرسید که برای آنان امکان نداشت یکسان به آن‌ها پاسخ دهند. (مطابق متن صحیح است؛ چون آن‌ها به دروغ مسئلهٔ خرابی ماشین را مطرح کرده بودند.)

۲ استاد به آنچه دانشجویان دربارهٔ دلیل غیبتشان به او گفتند، قانع شد. (مطابق متن صحیح نیست؛ زیرا، از نوع سؤالات استاد معلوم می‌شود که وی به عدم صحّت دلیل آن‌ها پی برده است.)

۳ استاد امتحان را برای دانشجویان برای روز سه‌شنبه به تأخیر انداخت. (مطابق متن صحیح نیست؛ زیرا، استاد امتحان را برای آنان به مدت سه روز به تأخیر انداخت.)

۴ هنگامی که دانشجویان به سؤالات نگاه کردند، تعجّب نکردند. (مطابق متن صحیح نیست؛ زیرا، آنان انتظار نداشتند چنین سؤالاتی از آنان پرسیده شود.)

گروه آموزشی ماز

■ عيّن الصّحيح في الإعراب و التّحليل الصّرفي: (٦٢ - ٦٤)

٦٢- «يؤخِّر»:

١) فعل - للمفرد المذكّر الغائب - حروفه الأصليّة «أ خ ر» - مجهول - منصوب بالفتحة
٢) فعل مضارع - ماضيه على وزن «فَعَّلَ» - للمفرد المذكّر - معلوم - يترجم بالمضارع الالتزاميّ في الفارسيّة
٣) للمفرد المذكّر المخاطب - ثلاثيّ مزيد من باب له حرف زائد - مصدره على وزن «تفعيل»
٤) فعل - ثلاثيّ مزيد من باب له حرفان زائدان هما «ي - تكرار خ» - معلوم - منصوب بالفتحة

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار ـ ترکیبی ـ تحلیل صرفی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «مجهول» اشتباه است. عین الفعل این فعل کسره دارد و نمی‌تواند مجهول باشد.

۳ «المخاطب» اشتباه است. این فعل از صیغه‌های غایب است.

۴ «من باب له حرفان زائدان» اشتباه است. این باب یک حرف زائد دارد و آن تکرار عین الفعل است.

ملاک تشخیص حروف زائد هر باب، فقط و فقط صیغهٔ اول ماضی آن باب است.

نام باب	وزن ماضی (اولین صیغهٔ ماضی)	وزن مضارع (اولین صیغهٔ مضارع)	وزن امر (اولین صیغهٔ امر)	وزن مصدر	تعداد حروف اضافه
اِسْتِفْعال	اِسْتَفْعَلَ	يَـسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعال	۳ حرف (ثَلاثَةُ حُرُوفٍ) «ا، س، ت»
اِفْتِعال	اِفْتَعَلَ	يَـفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعال	۲ حرف (حَرفانِ اِثنانِ) «ا، ت»
اِنْفِعال	اِنْفَعَلَ	يَـنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعال	۲ حرف (حَرفانِ اِثنانِ) «ا، ن»
تَفَعُّل	تَفَعَّلَ	يَـتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل	۲ حرف (حَرفانِ اِثنانِ) «ت، تكرار عين الفعل»
تَفاعُل	تَفاعَلَ	يَـتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل	۲ حرف (حَرفانِ اِثنانِ) «ت، ا»
تَفْعيل	فَعَّلَ	يُـفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيل	۱ حرف (حرفٌ واحدٌ) «تكرار عين الفعل»
مُفاعَلَة	فاعَلَ	يُـفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة	۱ حرف (حرفٌ واحدٌ) «ا»
إِفْعال	أَفْعَلَ	يُـفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعال	۱ حرف (حرفٌ واحدٌ) «أ»

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

٦٣- «الامتحان»:

١) اسم - مفرد - مذكّر - معرب - نكرة / مفعول و منصوب
٢) مذكّر - مثنّى - معرب - مصدر من باب «إفتعال» - حروفه الأصليّة «ت ح ن» / نائب فاعل و مرفوع
٣) مصدر - مذكّر - مفرد - معرفة - وزنه «إفتعال» - حروفه الأصليّة «م ح ن» / مفعول و منصوب
٤) مفرد - مذكّر - مبنيّ - معرفة / مفعول و منصوب

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ ترکیبی ـ تحلیل صرفی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «نكرة» اشتباه است. این اسم «ال» دارد و معرفه است.

۲ «مثنّى» و «حروفه الأصليّة «ت ح ن»» و «نائب فاعل و مرفوع» اشتباه است. این اسم مفرد است. حروف اصلی آن «م ح ن» است؛ زیرا، بر وزن «افتعال» است. نقش و اعراب آن نیز مفعول و منصوب است.

۴ «مبنيّ» اشتباه است. این اسم معرب است.

گروه آموزشی ماز

٦٤- «ينسوه»:

١) فعل - ثلاثيّ مزيد - للجمع المذكّر المخاطب - لازم - يترجم بالمضارع الالتزاميّ في الفارسيّة - حذف «ن» من آخره منصوباً
٢) فعل مضارع - للجمع المذكّر الغائب - متعدّ - ضمير «هـ» فيه مضاف‌إليه - جملة وصفيّة لكلمة «درساً»
٣) للجمع المذكّر المخاطب - مضارع - ماضيه «نسي» - متعدّ - يترجم بالمستقبل المنفيّ
٤) فعل مضارع - ثلاثيّ مجرّد - للجمع المذكّر الغائب - مستقبل منفيّ في المعنى - ضمير «هـ» فيه مفعول - حذف «ن» من آخره بسبب وجود «لَنْ»

پاسخ: گزینه ۴ (دشوار ـ ترکیبی ـ تحلیل صرفی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «المخاطب»، «لازم»، «ثلاثي مزيد» و «يترجم بالمضارع الالتزامي في الفارسية» اشتباه است. این فعل ثلاثی مجرّد، غایب و متعدّی است و به صورت مستقبل منفی در فارسی ترجمه می‌شود.

هرگاه ضمایر متصل (ه – هُما – هُم – ها – هُما – هُنَّ – كَ – كُما – كُم – كِ – كُما – كُنَّ – ي – نا) به انتهای فعلی بچسبند، نقش این ضمایر مفعول خواهد بود و آن فعل هم قطعاً متعدّی است.

۲ «ضمير «ه» فيه مضاف‌اليه» اشتباه است. نقش این ضمیر، مفعول است.

۳ «المخاطب» اشتباه است. این فعل، غایب است.

حروف ناصبه «أَنْ - لِـ - حتّى - كَيْ - لِكَيْ - لَنْ» فعل مضارع را منصوب می‌کنند. یعنی در انتهای بیشتر فعل‌های مضارع تغییراتی را به وجود می‌آورند. این تغییرات را می‌توانید در جدول زیر ببینید.

فعل مضارع		فعل مضارع منصوب
يَذْهَبُ	+ حروف ناصبه	أَنْ يَذْهَبَ
يَذْهَبانِ		أَنْ يَذْهَبا
يَذْهَبونَ		أَنْ يَذْهَبوا
تَذْهَبُ		أَنْ تَذْهَبَ
تَذْهَبانِ		أَنْ تَذْهَبا
يَذْهَبْنَ		أَنْ يَذْهَبْنَ
تَذْهَبُ		أَنْ تَذْهَبَ
تَذْهَبانِ		أَنْ تَذْهَبا
تَذْهَبونَ		أَنْ تَذْهَبوا
تَذْهَبينَ		أَنْ تَذْهَبي
تَذْهَبانِ		أَنْ تَذْهَبا
تَذْهَبْنَ		أَنْ تَذْهَبْنَ
أَذْهَبُ		أَنْ أَذْهَبَ
نَذْهَبُ		أَنْ نَذْهَبَ

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالية (٦٥ - ٧٠)

٦٥- عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

١) لَم يَلتَفِتوا إلَيهِ حَتّىٰ أَسرَعَ إلَيهِ أَحَدُ النّاسِ وَ أَنقَذَهُ!
٢) ما أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إلّا ظَهَرَ في فَلَتاتِ لِسانِهِ!
٣) لا تَنظُروا إلى كَثرَةِ صَلاتِهِم وَ صَومِهِم وَ كَثرَةِ الْحَجِّ!
٤) هَل تُريدُ أَن تَخرجُ مِن بَينِ الأراذِلِ و الظّالِمينَ!

پاسخ: گزینه ۴ (آسان ـ خط به خط ـ ضبط الحرکات)

پاسخ تشریحی:

أَن تَخرجُ ← أَن تَخرجَ الأراذِلِ ← الأراذِلِ

به دو نکته توجه کنید:
- فعل مضارع بدون وجود هیچ اداتی پشت آن، به‌صورت عادی می‌آید و پایانش تغییر نمی‌کند.
- اسم تفضیل در صورتی که جمع بسته شود، غالباً بر وزن أفاعِل است. مثل: (أکبر ← أکابِر) (أرذل ← أراذِل)

گروه آموزشی ماز

٦٦- عيّن الخطأ في المفهوم: «إرضاءُ النّاس غايةٌ لا تُدرك!»

١) کس از دســـت جـــور زبان‌هـــا نرست اگر خودنمای است و گر حق‌پرست!
٢) العاقِل مَن لا يصدّق قَول الكذّاب!
٣) اینقدر کز تو دلی چند بود شاد، بس است زندگانی به مراد همگان نتـوان کرد!
٤) لا يُمكن أَن نَحصل عَلى رضاية كلّ النّاس!

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ خط به خط ـ مفهوم)

پاسخ تشریحی:

ترجمهٔ عبارتِ سؤال: «راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.»

این عبارت به همراه گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴) [ممکن نیست که رضایت همهٔ مردم را به دست آوریم] به این موضوع اشاره دارد که «انسان نمی‌تواند همه را راضی کند و هر کاری کند باز هم افرادی هستند که ناراضی باشند.»

امّا عبارت گزینهٔ «۲» با توجه به ترجمه‌اش (عاقل کسی است که سخن دروغگو را باور نمی‌کند) به این مفهوم ارتباطی ندارد.

گروه آموزشی ماز

٦٧- عيّن الخطأ في ترجمة الفعل الثّاني:

١) ماضی + نکره + ماضی ← ماضی بعید
٢) مضارع + اسم نکره + مضارع ← مضارع التزامی
٣) ماضی + اسم نکره + ماضی ← ماضی ساده
٤) مضارع + اسم نکره + مضارع ← ماضی استمراری

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ قواعد)

پاسخ تشریحی:

در گزینه ۴ «مضارع + اسم نکره + مضارع» به‌صورت «مضارع التزامی یا مضارع اخباری» ترجمه می‌شود، نه به‌صورت ماضی استمراری.

فرمولای جملهٔ وصفیّه رو همینجا یاد بگیر:

در زبان عربی برای ترجمهٔ جملهٔ وصفیّه اگر دارای فعل باشد، باید مطابق الگوهای زیر عمل کرد:

فعل اول ماضی + فعل دوم ماضی (در جملهٔ وصفیّه): غالباً فعل دوم به‌صورت ماضی بعید یا ماضی ساده ترجمه می‌شود.

فعل اول ماضی + فعل دوم مضارع (در جملهٔ وصفیّه): غالباً فعل دوم به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

فعل اول مضارع + فعل دوم مضارع (در جملهٔ وصفیّه): غالباً فعل دوم به‌صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

گروه آموزشی ماز

٦٨- عيّن عبارة لا توجد فيها جملة وصفيّة:

١) يَجب عَلى الحُكّام أن يَكونوا عاملينَ بِما يَقولون للنّاس!
٢) أُحِبّ عيداً يَفرح فيه الفُقراءُ و المَساكين!
٣) أُشاهِدُ طالِباً يَكْتُبُ تَمارينَ الدَّرسِ في الصَّفِّ!
٤) أفتّش عَن مُعْجَمٍ يُساعِدُني في فَهمِ النُّصوصِ!

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ قواعد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ «عیداً» نکره و «یَفرح ...» جملهٔ وصفیّهٔ آن است.

۳ «طالِباً» نکره و «یَکْتُبُ ...» جملهٔ وصفیّهٔ آن است.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۴ «مُعجَمٍ» نکره و «يُساعِدُني ...» جملهٔ وصفیّهٔ آن است.

جملهٔ وصفیّه چیه؟

هرگاه در یک جملهٔ مستقل و کامل (اعمّ از فعلیّه و اسمیّه) یک اسم نکره‌ای وجود داشته باشد و بعد از آن اسم نکره، (بدون فاصله یا با فاصله) جمله‌ای (فعلیّه یا اسمیّه) بیاید که آن اسم نکره را توصیف کند به آن جمله، صفت از نوع «جملهٔ وصفیّه» گفته می‌شود.

۱) جملهٔ وصفیّه همواره توصیف یک «اسم نکره» می‌باشد.

۲) جملهٔ وصفیّه می‌تواند بلافاصله بعد از اسم نکره یا با فاصله از آن بیاید.

۳) همواره در ترجمهٔ فارسی، قبل از جملهٔ وصفیّه حرف ربط «کـه» می‌آید.

گروه آموزشی ماز

۶۹- عيّن الصّحيح في ترجمة الأفعال:

۱) المِسْكُ عِطرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوعٍ مِنَ الغِزلانِ! (می‌گیرند)

۲) ﴿لِكَيْلا تَحزَنوا عَلىٰ ما فاتَكُم﴾ (غمگین نمی‌شوند)

۳) شاهَدتُ تَلاميذَ كَثيرينَ قَد ذَهبوا! (آمده بودند)

۴) بَحثتُ عَن سِنجاب يَقفِز مِن شَجرة إلى شَجَرة بِسُرعَة! (پرید)

پاسخ: گزینه ۳ (آسان ـ خط به خط ـ قواعد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ گرفته می‌شود.

۲ تا این‌که غمگین نشوید، تا غمگین نشوید.

۴ می‌پرید.

گروه آموزشی ماز

۷۰- عيّن ما لا يوجد في العبارة التّالية:

«إن يَذهَب رَجُلٌ ارتكب كثيراً من المعاصي إلى رجل فاضِلٍ وَ طَلَبَ مِنهُ مَوعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكابِ الْمَعاصي يَنصَحهُ بِصدق لن يوجد مثله!»

۱) ثلاث جملات تصف النكرات ۲) أسلوب الشّرط ۳) النفي للماضي ۴) الموصوف و الصّفة

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ ترکیبی ـ قواعد)

پاسخ تشریحی:

سه جملهٔ وصفیّه:

رَجُلٌ ارتكب كثيراً من المعاصي — موعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكابِ الْمَعاصي — صدق لن يوجد مثله

«إن» در ابتدای جمله، ادات شرط است.

«رجل فاضِلٍ» ترکیب وصفی است.

«لَنْ» چیکار می‌کنه؟

حرف «لَنْ» معنای فعل مضارع را به «مستقبل منفی» تبدیل می‌کند. (آوردن کلمهٔ «هرگز» در ترجمه الزامی نیست.)

مثال:

لَن نَكتُبَ: (هرگز) نخواهیم نوشت. — أَنتَ لَن تَنسَى: (هرگز) تو فراموش نخواهی کرد. — لَن تَجلِسوا هنا: (هرگز) اینجا نخواهید نشست.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۷۱- کدام گزینه از نظر تقدم و تأخر زمانی درست نیست؟

الف: طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید.

ب: تکش خوارزمشاه بر سلطان سلجوقی پیروز گردید.

ج: به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد دندانقان، سلطهٔ غزنویان بر خراسان به سر رسید.

د: خلیفهٔ عباسی حکومت ایران و عراق را به طغرل بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند.

۱) «ب» قبل از «د» و «الف» پس از «ج» اتفاق افتاده است.

۲) «د» بعد از «ج» و قبل از «ب» روی داده است.

۳) «ب» پس از «د» و قبل از «ج» روی داده است.

۴) «الف» بعد از «ج» و «د» پس از «ب» روی داده است

پاسخ: گزینه ۲ (دشوار ـ مفهومی ـ ۱۱۱۰)

پاسخ تشریحی:

ترتیب زمانی رویدادها: «الف»: طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید (۴۲۹ ق) ← «ج»: به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان ← سلطه غزنویان بر خراسان به سر رسید (۴۳۱ ق) و ← «د»: طغرل، خلیفه عباسی را از تسلط آل بویه شیعه مذهب درآورد و خود را منجی خلافت معرفی کرد (۴۴۷ ق) ← «ب»: زوال سلجوقیان: تکش خوارزمشاه بر آخرین سلطان سلجوقی (طغرل سوم) پیروز شد و حکومت سلجوقیان منقرض شد.

رویدادهای دوران طغرل سلجوقی	تصرف نیشابور ← انتخاب این شهر به عنوان مرکز حکومت (۴۲۹ ق)
	شهرها و مناطق مختلف ایران را تسخیر کرد.
	به بغداد رفت و خلیفهٔ عباسی را از تسلط آل‌بویه شیعه مذهب درآورد و خود را منجی خلافت معرفی کرد. (۴۴۷ ق)
	خلیفهٔ حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زنند.
	خلیفه لقب «سلطان رکن الدوله» را به طغرل داد.

گروه آموزشی ماز

۷۲- کدام موارد به نقش «خواجه نصیرالدین توسی» در دربار ایلخانان اشاره دارد؟

الف: در دورهٔ ایلخانان، به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی، تشیع در ایران گسترش یافت.

ب: زمینه هم‌نوایی دین و دولت و برتری شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی را فراهم کرد.

ج: در دورهٔ مسلمانی مغولان، مغولان را با فرهنگ ایرانی و آداب کشورداری آشنا کرد.

د: بسیاری از دانشمندان متواری در برابر هجوم مغولان را به ایران برگرداند و در رصدخانه مراغه زمینهٔ فعالیت‌های علمی آن‌ها را فراهم کرد.

۱) «الف» ـ «ب» ۲) «الف» ـ «د» ۳) «ج» ـ «د» ۴) «ب» ـ «ج»

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۲)

پاسخ تشریحی:

در دورهٔ ایلخانان به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی، تشیع در ایران گسترش یافت و نقش خواجه نصیرالدین توسی در زمینه‌های علمی بسیار تأثیرگذار بود تا جایی که بسیاری از دانشمندان متواری در برابر هجوم مغولان را به ایران برگرداند و در رصدخانه مراغه زمینهٔ فعالیت‌های علمی آن‌ها را فراهم آورد.

نقش خواجه نصیرالدین توسی در دورهٔ ایلخانان	الف) آشنا کردن مغولان با فرهنگ ایرانی و آداب کشورداری و زمینهٔ مسلمان شدن آن‌ها را فراهم آورد.
	ب) در دورهٔ ایلخانان به ویژه به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی، تشیع در ایران گسترش یافت. در آن زمان، نفوذ مذهب شیعه به حدی رسید که ایلخان الجایتو، جانشین غازان به این مذهب گروید.
	ج) نقش خواجه نصیر در عرصه گسترش علم بسیار مهم بود. وی بسیاری از دانشمندان متواری در برابر هجوم مغولان را به ایران برگرداند و با تجمع ایشان در مرکز علمی رصدخانه مراغه زمینهٔ فعالیت‌های علمی آنان را هموار کرد.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

بررسی سایر موارد:

«ب»: اسلام آوردن مغولان سبب هم‌نوایی دین و دولت و برتری شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی گردید.

«ج»: در دورهٔ نامسلمانی مغولان افرادی چون شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عطاملک و خواجه نصیرالدین توسی کوشیدند تا مغول‌ها را با فرهنگ ایرانی و آداب کشورداری آشنا کنند و زمینهٔ مسلمان شدن این قوم را فراهم آوردند.

گروه آموزشی ماز

۷۳- کدام موارد دربارهٔ «وضعیت هنر و معماری عصر ایلخانان و تیموریان» درست است؟

الف: کاشی‌ها و گچ‌بری‌ها و تزئینات به کار رفته در مسجد جمعهٔ اصفهان نمونه‌ای عالی از هنر این دوره محسوب می‌شوند.

ب: از ویژگی‌های مهم این دوره، ایجاد بناهای عظیم، ساختن گنبدها، طاق‌ها و مناره‌های بلند بود.

ج: حمایت دولتمردان، توسعه شهرنشینی و گسترش قلمرو در شکوفایی هنر و معماری این دوره تأثیر بسزایی داشت.

د: سرشناس‌ترین معماران دورهٔ تیموری، قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی و محمدبن‌محمود اصفهانی بودند.

۱) «الف» ـ «ج» ۲) «ج» ـ «د» ۳) «الف» ـ «ب» ۴) «ب» ـ «د»

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۲)

پاسخ تشریحی:

از ویژگی‌های مهم معماری این دوره:
- ایجاد بناهای عظیم، ساختن گنبدها، طاق‌ها، ایوان‌ها و مناره‌های بلند و تزیین ساختمان‌ها با گچ‌بری و کاشی‌کاری بود.
- در این دوره از ترکیب آجر و کاشی برای تزیین بناها استفاده می‌شد.
- از جمله نمونه‌های هنر و معماری این دوره سردر و مناره‌های مسجد جامع یزد است.

بررسی سایر موارد:

«الف و ج»: هر دو از ویژگی‌های هنر و معماری عصر سلجوقی می‌باشند.

هنر و معماری عصر ایلخانی و تیموریان:

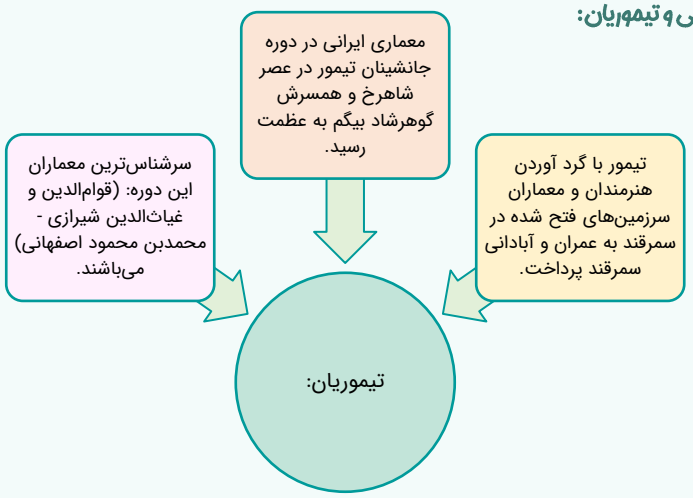

گروه آموزشی ماز

۷۴- کدام موارد دربارهٔ نظام اداری سلجوقیان درست است؟

الف: اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دورهٔ غزنوی و سامانی کم شد و دیوان‌های جدیدی شکل گرفت.

ب: وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می‌شد، اراده و خواست سلطان بود.

ج: دیوان‌سالاران حکومت سامانی و برخی از دیوان‌سالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند.

د: نظام اداری سلجوقی مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود که با نیروهای سرکش امیران و نظامیان سلجوقی مقابله می‌کرد.

۱) «الف» ـ «ج» ۲) «ب» ـ «د» ۳) «ج» ـ «د» ۴) «ب» ـ «ج»

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۰)

پاسخ تشریحی:

نظام اداری سلجوقیان مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود که با نیروهای سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود پایبند بودند مقابله می‌کرد و در رأس دیوان‌ها، وزارت بود که البته وزیر هم در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار او می‌شد، اراده و خواست سلطان بود.

بررسی سایر موارد:

«الف»: در عصر خوارزمشاهیان، اختیارات برخی دیوان‌ها نسبت به دورهٔ سلجوقی کم شد، برخی دیگر تغییر نام یافت و برخی دیوان‌های جدید تشکیل شد.

«ج»: دیوان‌سالاران غزنوی، از دیوان‌سالاران حکومت سامانی و آل‌بویه استفاده کردند و آنان را به خدمت گرفتند.

نظام اداری سلجوقیان

- سلجوقیان از آغاز حکومت با به کارگیری دیوان‌سالارانی همچون (عمیدالملک کندری ـ خواجه نظام‌الملک توسی) نظام اداری ایران را کامل‌تر و گسترده‌تر کردند.
- به قدری نقش خواجه نظام‌الملک برجسته است که دوران وزارت وی را می‌توان «عصر نظام‌الملک» نامید.
- خواجه نظام‌الملک کوشید با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود ← با ثبات و استمرار ← با نیروهای سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود وفادار بودند، مقابله کند. ← در نتیجه تقابل اهل شمشیر (نظامیان) و اهل قلم (دیوان‌سالاران) ایجاد شد.
- نظام اداری سلجوقی ← الگوی مطلوبی برای حکومت‌های پس از خود شد.
- دیوان وزارت و در رأس آن وزیر قرار داشت که به شکوهمندی رسید. ← همه دیوان‌ها زیر نظر وزیر اداره می‌شد. ← اما وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار او می‌شد. ← اراده و خواست سلطان بود.

گروه آموزشی ماز

۷۵- **کدام گزینه به تأثیر تسامح و تساهل دینی مغولان اشاره دارد؟**

۱) باعث مسلمان شدن ایلخانیان و امیران مغول گردید.
۲) موجب افزایش نفوذ و موقعیت اجتماعی رهبران و مشایخ طریقت‌های صوفیانه شد.
۳) باعث شد پیروان دین‌های گوناگون به تبلیغ دین خود بپردازند.
۴) موجب تمکن مالی و قدرت اقتصادی رهبران طریقت‌های صوفی گردید.

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۲)

پاسخ تشریحی:

تسامح و تساهل دینی مغولان باعث شد که پیروان دین‌های گوناگون در میان آنان به تبلیغ دین خود بپردازند. بزرگان ایرانی، شامل دیوان‌سالاران، عالمان و مشایخ صوفی به خوبی از این موقعیت برای مسلمان کردن ایلخانان و امیران مغول بهره بردند.

دین و اعتقادات اسلام‌پذیری مغولان

- مغولان در آغاز پیرو آیین ساده موسوم به شَمَنی بودند که زیر نظر روحانیانی با عنوان شَمَن اداره می‌شد.
- پیروان این آیین ← مجموعه‌ای از مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند که هر چند به خدای بزرگ اعتقاد داشتند، اما خداپرستی آنان ناقص بود.
- اقوام مغول در مسائل دینی ← تعصبی نداشتند و با پیروان دین‌های دیگر با ملایمت برخورد می‌کردند. ← این تسامح و تساهل از روی آگاهی نبود ← متأثر از شرایط زندگی آنان بود.
- تسامح و تساهل دینی مغولان سبب شد که پیروان دین‌های گوناگون در میان آنان به تبلیغ دین خود بپردازند.

گروه آموزشی ماز

۷۶- **کدام رویداد سبب محدود شدن حکومت تیموریان به مناطق شرقی ایران گردید؟**

۱) به قدرت رسیدن صوفیان در مرکز و پیشروی آنان به سرتاسر ایران
۲) تسلط ازبکان به ماوراءالنهر و حملات پی‌درپی آنان به قلمرو تیموریان
۳) تأسیس حکومت گورکانیان هند به دست بابر (یکی از شاهزادگان تیموری) در هند
۴) ایجاد حکومت توسط آق‌قویونلوها و تصرف مناطق غربی و مرکزی ایران

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۱)

پاسخ تشریحی:

دو اتحادیه قبیله‌ای متشکل از ترکمانان به نام‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو به ترتیب با پی افکندن حکومت‌هایی ← نواحی غربی و مرکزی ایران را تصرف کردند و حکومت تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد.

ایران در عهد تیموریان:

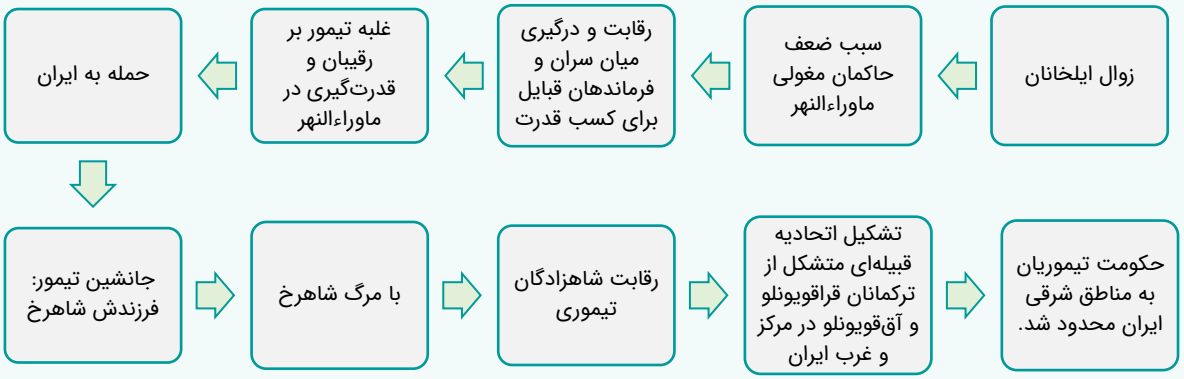

گروه آموزشی ماز

۷۷- کدام گزینه به ترتیب پاسخ درست عبارت‌های زیر است؟

الف: از معروف‌ترین دانشمندان در پزشکی در دورهٔ سلجوقی می‌باشد.

ب: یکی از برجسته‌ترین آثار زبان فارسی در دورهٔ غزنویان است.

ج: از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی بود که در مدارس نظامیه درس خواند و درس داد.

د: آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به شمار می‌آید.

۱) الف: سیداسماعیل جرجانی، ب: تاریخ بلعمی، ج: خواجه نظام‌الملک توسی، د: رضا عباسی

۲) الف: جرجیس‌بن جبرائیل، ب: شاهنامه، ج: امام محمد غزالی، د: کمال‌الدین بهزاد

۳) الف: جرجیس‌بن جبرائیل، ب: جامع‌التواریخ، ج: خواجه نظام‌الملک توسی، د: رضا عباسی

۴) الف: سیداسماعیل جرجانی، ب: تاریخ بیهقی، ج: امام محمد غزالی، د: کمال‌الدین بهزاد

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ ترکیبی ـ ۱۱۱۲)

بررسی موارد:

«الف»: از معروف‌ترین دانشمندان در رشتهٔ پزشکی دورهٔ سلجوقی: سیداسماعیل جرجانی

«ب»: یکی از برجسته‌ترین آثار زبان فارسی در دورهٔ غزنویان، تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی است.

«ج»: از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی که در مدارس نظامیه درس خواند و درس داد، امام محمد غزالی بود.

«د»: آثار و مکتب نگارگری کمال‌الدین بهزاد، سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به شمار می‌آید.

علم ادب و آموزش:

دانشمندان عصر غزنوی	دانشمندان عصر سلجوقی	نگارگری دوره تیموری
ابوریحان بیرونی: نجوم و جغرافیا	ابوالعباس لوکری و خیام در ریاضیات و نجوم شهاب‌الدین سهروردی و امام فخر رازی در فلسفه و کلام سیداسماعیل جرجانی در پزشکی	نامورترین نقاش عصر تیموری کمال‌الدین بهزاد بود که آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به شمار می‌آید.
ادبیات: - شاهنامه فردوسی - تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی از برجسته‌ترین آثار زبان فارسی است.	**نکته:** مدارس نظامیه به همت خواجه نظام‌الملک توسی در بغداد و اصفهان و نیشابور ساخته شد. امام محمد غزالی از مهم‌ترین و معروف‌ترین عالمانی بود که در مدارس نظامیه درس خواند و درس داد.	

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir

AzmonVIP

۷۸- کدام گزینه به علت لشکرکشی هولاکوخان نوهٔ چنگیزخان به ایران اشاره دارد؟

۱) تأسیس حکومت ایلخانی که تابعیت خان مغول را در پی داشت.
۲) نظم بخشیدن به قلمرو متصرفی مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا
۳) سرکوب و از میان بردن قدرت اسماعیلیان
۴) تسخیر بغداد و پایان دادن به حکومت خاندان بنی‌عباس

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۱۱)

پاسخ تشریحی:

هولاکوخان در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن به منظور نظم بخشیدن به قلمرو متصرفی مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا، به ایران لشکرکشی کرد. (۶۵۰ ق)

ایران در عهد ایلخانان

• ایلخان به معنای «خان تابع» است و حکومت ایلخانی یا ایلخانان به حکومتی گفته می‌شود که پس از تسلط مغولان بر ایران به دست هولاکوخان نوهٔ چنگیزخان تشکیل شد. ← هولاکو در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن ← با هدف نظم بخشیدن به قلمرو متصرفی مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا به ایران لشکرکشی کرد. (۶۵۰ ق)

اقدامات هولاکو	قدرت اسماعیلیان را با گشودن قلعه‌های مستحکم آنان از بین برد.
	با تسخیر بغداد و کشتن خلیفه عباسی به حکومت عباسیان پایان داد. (۶۵۶ ق)
	به شام یورش بردند ← اما در عین جالوت از سپاه مملوکان مصر شکست خوردند.

۷۹- هر یک از مناطق زیر جزء کدام نواحی صنعتی جهان هستند؟

الف: ناحیهٔ رور

ب: جمهوری چک

ج: ولگا

۱) آمریکای شمالی ـ اروپای غربی ـ روسیه
۲) اروپای غربی ـ اروپای شرقی ـ آمریکای شمالی
۳) آمریکای شمالی ـ اروپای غربی ـ اروپای شرقی
۴) اروپای غربی ـ اروپای شرقی ـ روسیه

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۷)

بررسی موارد:

«الف»: ناحیهٔ رور ← اروپای غربی

«ب»: جمهوری چک ← اروپای شرقی

«ج»: ولگا ← روسیه

قطب‌های صنعتی جهان:

ناحیهٔ صنعتی	گسترهٔ جغرافیایی
آمریکای شمالی	• کانادا • شمال شرق ایالات متحدهٔ آمریکا ← از کوه‌های آپالاش تا دریاچه‌های پنج‌گانه
اروپای غربی	• مهم‌ترین نواحی صنعتی اروپا ← در غرب این قاره • ناحیهٔ صنعتی رور در کشور آلمان و نواحی صنعتی انگلستان، فرانسه و شمال ایتالیا
مشرق، جنوب و جنوب شرقی آسیا	• ژاپن ← از مهم‌ترین نواحی صنعتی در این بخش از جهان • چین ← رشد قابل ملاحظه در دو دههٔ اخیر در زمینهٔ صنعت • هند ← به ویژه در ناحیهٔ کلکته و بمبئی • کره جنوبی، تایوان، مالزی و سنگاپور ← از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم کالاهای صنعتی در چند دههٔ اخیر
روسیه و اروپای شرقی	• مسکو، قفقاز، ولگا ← در روسیه • جمهوری‌های چک و لهستان ← در اروپای شرقی

گروه آموزشی ماز

۸۰- بیشتر مزارع تک‌محصولی در کجا احداث شده‌اند و علت آن چیست؟

۱) نزدیکی ساحل دریاها ـ استفاده از کشتی برای صدور محصولات
۲) نواحی انسانی بزرگ و پرجمعیت ـ استفاده از نیروی کار ارزان و فراوان
۳) نواحی پیشرفته و صنعتی ـ استفاده آسان از تکنولوژی کشت و صنعت
۴) مناطق دامپروری بزرگ ـ استفاده از بقایای محصولات برای تغذیه دام‌ها

پاسخ: گزینه ۱ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۰۷)

پاسخ تشریحی:

بیشتر مزارع تک‌محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاها واقع شده‌اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان استفاده کرد.

کشت تک‌محصولی تخصصی (پلانتیشن):

- ✓ پلانتیشن: زمین‌های وسیع کشاورزی که به تولید یک محصول خاص اختصاص دارد.
- ✓ موز، قهوه، آناناس، کاکائو، پنبه، نیشکر، چای، نخل روغنی (پالم) و کائوچو برخی محصولات کشاورزی پلانتیشن‌ها هستند.
- ✓ مزارع محصولات خاص نواحی گرم و مرطوب استوایی، در کشورهای مجاور استوا در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی قرار دارند.
- ✓ بیشتر مزارع تک‌محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاها واقع شده‌اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان بهره برد.
- ✓ برخی معایب روش کشت تک‌محصولی:

۱) مزارع سالیان سال به کشت یک محصول اختصاص می‌یابند و به همین دلیل، خطر فرسایش و ضعیف شدن خاک زیاد است.
۲) استفاده مداوم از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی در این مزارع، به محیط‌زیست این نواحی آسیب می‌زند.

گروه آموزشی ماز

۸۱- رفتار زیر بیانگر کدام‌یک از ویژگی‌های مهم صنایع نو است؟

«تولیدکنندگان گوشی‌های تلفن همراه هر ساله گزینه‌های جدیدی به مدل‌های قبلی اضافه می‌کنند.»

۱) غلبه و برتری یافتن بر بازار فروش جهانی
۲) پیشرفت این صنایع بر مبنای نوآوری و رقابت است.
۳) این صنایع عمدتاً بر محور فناوری پیشرفته و استفاده از متخصصان و محققان قرار دارند.
۴) این صنایع ناگزیر به برقراری ارتباط با فناوری‌های روز دنیا و صادر کردن کالاهای تولید شده به کشورهای دیگر جهان‌اند.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۷)

ویژگی‌های مهم صنایع نو:

- این صنایع عمدتاً بر محور فناوری پیشرفته و استفاده از متخصصان و محققان قرار دارند.
- پیشرفت آن‌ها بر مبنای نوآوری و رقابت است. (برای مثال، تولیدکنندگان گوشی‌های تلفن همراه هر ساله گزینه‌های جدیدی به مدل‌های قبلی اضافه می‌کنند تا از سازندگان دیگر جلو بیفتند و در رقابت، سود بیشتری نصیب خود کنند.)
- این صنایع ناگزیر به برقراری ارتباط با فناوری‌های روز دنیا و صادر کردن کالاهای تولید شده به کشورهای دیگر جهان‌اند.

گروه آموزشی ماز

۸۲- کدام گزینه عبارت زیر را به‌درستی تکمیل می‌کند؟

«برای آنکه به وضعیت نابرابر نواحی در اقتصاد جهانی امروز بهتر پی ببریم، بایستی.....»

۱) به جایگاه متفاوت کشورها در اقتصاد جهانی توجه کنیم.
۲) به پیشینه تعامل و روابط اقتصادی در جهان توجه کنیم.
۳) به تأثیرات اقتصاد جهانی بر زندگی مردم کشورهای مختلف توجه کنیم.
۴) به کاهش و افزایش قیمت‌ها در بازارهای جهانی و تأثیر آن در زندگی خود توجه کنیم.

پاسخ: گزینه ۲ (آسان ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

پاسخ تشریحی:

برای آن‌که به وضعیت نابرابر نواحی در اقتصاد جهانی امروز بهتر پی ببریم، باید به پیشینهٔ تعامل و روابط اقتصادی در جهان توجه کنیم.

برای فهم بهتر وضعیت نابرابر نواحی در اقتصاد جهانی امروز، باید به پیشینه تعامل و روابط اقتصادی کشورها در جهان توجه کنیم:

گذشته‌های دور	۱) تجارت بیشتر در سطح محلی صورت می‌گرفت. ۲) ایجاد راه‌ها + کاروانسراها + چارپایان + کاروان‌ها = سبب گسترش مبادله کالا در نواحی دوردست ۳) پیشرفت در دریانوردی و ساخت کشتی ← افزایش میزان مبادلات تجاری بین نواحی مختلف ۴) جادهٔ ابریشم ← بزرگ‌ترین شبکه دادوستد جهانی (از چین تا اروپا در کنار دریای مدیترانه)
عصر اکتشافات جغرافیایی	۱) پیشرفت در دریانوردی در قرن ۱۵ و ۱۶ م. ۲) دستیابی اروپاییان به سرزمین‌های نو در آمریکا و اقیانوسیه. ۳) تصرف بخش‌هایی از آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی ← ایجاد مستعمرات ← استخراج و غارت منابع طبیعی
انقلاب صنعتی	۱) انقلاب صنعتی ← قرن ۱۸ م ← گسترش استعمارگری اروپایی‌ها ۲) نیاز کارخانه‌ها برای تولید کالای صنعتی ← به مواد اولیه و خام ۳) اروپایی‌ها به واسطهٔ تسلط بر نواحی مختلف ← منابع اولیه (طلا، چوب، نفت) را به کشور خود سرازیر کردند. ۴) هند ← مستعمرهٔ انگلیس ـ اندونزی ← مستعمرهٔ هلند ـ کنگو ← مستعمرهٔ بلژیک ـ الجزایر ← مستعمرهٔ فرانسه
پس از جنگ‌های جهانی	۱) گسترش نهضت‌های استقلال‌طلبانه در کشورهای مستعمره ۲) استقلال یافتن کشورهای مستعمره و عضویت در سازمان ملل متحد ۳) پایان دورهٔ استعمار کهن که مبتنی بر قدرت نظامی و اشغال سرزمین‌ها بود.

گروه آموزشی ماز

۸۳- با توجه به اتحادیه‌های منطقه‌ای «نفتا»، «اکو» و «آ.سه.آن» پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه به‌ترتیب آمده است؟

الف: کدام هدف در همهٔ این اتحادیه‌ها مشترک است؟

ب: کشور ما عضو کدام‌یک از این اتحادیه‌هاست؟

ج: اتحادیه منطقه‌ای آ.سه.آن در کدام منطقهٔ جغرافیایی شکل گرفته است؟

۱) حذف یا پایین آوردن تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی ـ نفتا ـ جنوب غربی آسیا
۲) امنیت و ثبات سیاسی در منطقه ـ نفتا ـ جنوب شرقی آسیا
۳) حذف یا پایین آوردن تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی ـ اکو ـ جنوب شرقی آسیا
۴) امنیت و ثبات سیاسی در منطقه ـ اکو ـ جنوب غربی آسیا

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

بررسی موارد:

«الف»: حذف یا پایین آوردن تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها از جمله اهداف مشترک همه این اتحادیه‌هاست.

«ب»: کشور ما عضو اتحادیه منطقه‌ای اکو است.

«ج»: اتحادیه منطقه‌ای آ.سه.آن در جنوب شرقی آسیا واقع شده است.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی - تجاری منطقه‌ای (ناحیه‌ای):

- میان کشورهای همسایه شکل می‌گیرد.
- کشورهای عضو، بر اساس موافقت‌نامه‌هایی که امضاء می‌کنند، سعی بر کاهش یا برداشتن مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی میان خود دارند تا تجارت بینشان افزایش یافته و موجب توسعه اقتصادی این کشورها شود.

مثال: اِکو، آسه‌آن و نَفتا از جمله اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای هستند.

گروه آموزشی ماز

۸۴- در تصویر روبه‌رو موارد (الف) و (ب) به‌ترتیب کدام‌اند؟

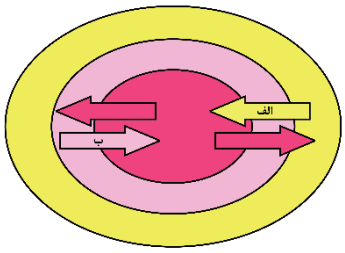

۱) مواد اولیه و نیروی کار ارزان ـ کالاهای مصرفی کارخانه‌ای
۲) کالاهای مصرفی کارخانه‌ای ـ کالاهای مصرفی کارخانه‌ای
۳) مواد اولیه و نیروی کار ارزان ـ مواد اولیه و نیروی کار ارزان
۴) کالاهای مصرفی کارخانه‌ای ـ مواد اولیه و نیروی کار ارزان

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

پاسخ تشریحی:

با توجه به شکل زیر، گزینه (۳) درست است.

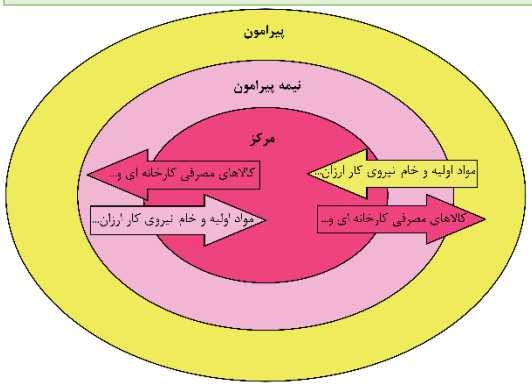

بر اساس نظریه مرکز - پیرامون، می‌توان کشورهای جهان را در سه گروه جای داد:

جایگاه اقتصادی	توضیحات	مثال
مرکز	این کشورها کانون سلطهٔ اقتصادی بر جهان هستند. آن‌ها بخش عمده‌ای از سود و ثروت جهان را دریافت و جذب می‌کنند و حتی به صدور سرمایه (سرمایه‌گذاری) در دیگر نواحی جهان می‌پردازند.	آمریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و استرالیا
نیمه‌پیرامون	این کشورها از نظر اقتصادی از کشورهای پیرامون قوی‌ترند، اما هنوز از نظر قدرت اقتصادی به کشورهای مرکز نرسیده‌اند. آن‌ها بین کشورهای مرکز و پیرامون، نقش واسطه را بازی می‌کنند و ساختار اقتصادی و اجتماعی آن‌ها دچار تغییرات و تحولات صنعتی و فناورانه شده است.	کره جنوبی، سنگاپور
پیرامون	این کشورها عمدتاً تولیدکننده و صادرکننده مواد اولیه و خام هستند و از نظر توسعه صنعتی و فناوری‌های نوین در سطح پایینی قرار دارند. آن‌ها به واردات کالاهای صنعتی از مرکز وابسته‌اند و بازار خوبی برای تولیدات آن‌ها به شمار می‌روند و از این‌رو، سود هنگفتی را نصیب کشورهای مرکز می‌کنند.	افغانستان، بنگلادش، مراکش، نامبیا، پرو و نیکاراگوئه

گروه آموزشی ماز

۸۵- کدام گزینه دلایل مربوط به علاقه‌مندی سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در کشورهای دیگر را به‌درستی بیان می‌کند؟

۱) استفاده از نیروی متخصص این کشورها ـ جدیت نداشتن اجرای بیمهٔ کارکنان ـ مناسب بودن منابع اولیه
۲) استفاده از نیروی کار ارزان‌قیمت ـ جدیت نداشتن اجرای قوانین نظام مالیاتی ـ مناسب بودن منابع طبیعی
۳) استفاده از نیروی کار ارزان‌قیمت ـ نداشتن قوانین مالیاتی ـ استفاده از سرمایه‌های طبیعی این کشورها
۴) استفاده از نیروی متخصص ـ استفاده از سرمایه‌های طبیعی این کشورها ـ فاقد مقررات ویژه زیست‌محیطی

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

پاسخ تشریحی:

شرکت‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر علاقه‌مندند؛ زیرا از این طریق به امتیازات زیادی دست پیدا می‌کنند. اولاً؛ با احداث کارخانه یا شرکت در کشورهای دیگر از منابع طبیعی آن نواحی استفاده می‌کنند؛ دوم اینکه از نیروی کار ارزان‌قیمت این نواحی برخوردار می‌شوند و سوم، چون در

www.biomaze.ir

AzmonVIP

کشورهای کمتر توسعه‌یافته صنعتی، نظام مالیاتی و بیمه کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی، چندان جدی و سخت نیست، فعالیت شرکت‌های چندملیتی در این‌گونه کشورها، آسان‌تر و ارزان‌تر تمام می‌شود.

شرکت‌های چندملیتی:

شرکت‌های چندملیتی ویژگی‌هایی دارند از جمله اینکه:

- شعبهٔ اصلی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی (مادر) است و طراحی و فناوری علمی اصلی تولید در کشور مادر صورت می‌گیرد.
- اما شعبه‌هایی نظیر کارخانه‌های مونتاژ یا شرکت‌های وابسته در کشورهای دیگر ایجاد می‌کنند. در واقع شرکت‌های چندملیتی از شرکت‌های محلی در کشورهای میزبان برای تولید یا فروش کالاها و خدمات خود استفاده می‌کنند.

علاقه شرکت‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر به دلایل زیر است:

- استفاده از منابع طبیعی آن نواحی
- برخورداری از نیروی کار ارزان‌قیمت
- فعالیت آسان‌تر و ارزان‌تر به علت سخت نبودن نظام مالیاتی و بیمه کارگران و قوانین و مقررات زیست‌محیطی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته صنعتی

۸۶- کدام گزینه را می‌توان به‌عنوان تفاوت نظر بین هراکلیتوس و پارمنیدس به حساب آورد؟

۱) حرکت با حواس درک می‌شود.
۲) شناخت عقلی معتبر است.
۳) حرکت صرفاً از طریق عقل درک می‌شود.
۴) شناخت حسی معتبر است.

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ ترکیبی ـ ۱۱۰۸)

مقایسه نظر پارمنیدس و هراکلیتوس دربارهٔ معرفت

- **موضوع اختلاف نظر:** وجود یا عدم وجود حرکت در جهان
- **مبنای این اختلاف:** اعتبار یا عدم اعتبار حواس
- **روند استدلال:**
  هراکلیتوس ← حرکت با حواس درک می‌شود← حواس معتبر است ← حرکت وجود دارد.
  پارمنیدس ← حرکت با حواس درک می‌شود← حواس معتبر نیست ← حرکت وجود ندارد.
- **اشتراک نظر:**
  هردو حرکت را به واسطهٔ حواس قابل درک می‌دانستند.
  هردو عقل را به عنوان ابزار معتبر شناخت پذیرفته بودند.

پاسخ تشریحی:

اختلاف میان هراکلیتوس و پارمنیدس این است که هراکلیتوس، شناخت حسی را معتبر می‌داند، ولی پارمنیدس آن را بی‌اعتبار می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ و ۲ این دو گزینه مربوط به اشتراک نظر پارمنیدس و هراکلیتوس است.
۳ هیچ‌کدام از آن‌ها به این عبارت اعتقاد نداشتند.

گروه آموزشی ماز

۸۷- کدام گزاره میان سوفسطائیان و پارمنیدس مشترک است؟

۱) شناخت از طریق عقل نامعتبر است.
۲) شناخت حسی ما را به حقیقت نمی‌رساند.
۳) اصل امکان شناخت مورد تردید است.
۴) حواس تنها سایه‌ای از حقیقت را درک می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ ترکیبی ـ ۱۱۰۸)

سوفسطائیان

- معتقد بودند که انسان، نه از راه حس و نه از راه عقل، توانایی کسب حقیقت را ندارد.
- به اعتقاد آن‌ها، اگر چیزهایی توسط حس درک شود، به معنای رسیدن به حقیقت نیست.
- اصل «امکان شناخت» را به دو دلیل انکار می‌کردند← ۱- اختلاف نظر میان فیلسوفان نخستین ۲- مغالطه‌های خودشان

مقایسهٔ دیدگاه پارمنیدس و سوفسطائیان:
شباهت ← هردو حواس را برای کسب شناخت، معتبر نمی‌دانستند.
تفاوت← پارمنیدس اگر حواس را معتبر نمی‌دانست، عقل را معتبر تلقی می‌کرد؛ اما سوفسطائیان به کلی هیچ‌چیز را برای شناخت معتبر نمی‌دانستند.

پاسخ تشریحی:

سوفسطائیان و پارمنیدس بر این عقیده بودند که شناخت حسی توانایی رسیدن به حقیقت و واقعیت را ندارد؛ پس این گزاره میان آن‌ها مشترک است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ پارمنیدس، برخلاف سوفسطائیان شناخت عقلی را معتبر می‌دانست.
۳ پارمنیدس، برخلاف سوفسطائیان اصل شناختن را انکار نمی‌کرد.
۴ سوفسطائیان اصلاً به حقیقت اعتقاد نداشتند که حواس بخواهد سایه‌هایی از آن را درک کند.

گروه آموزشی ماز

۸۸- افلاطون مانند ..... حواس را معتبر می‌دانست و معتقد بود آنچه از طریق ..... درک می‌شود از آنچه با ..... درک می‌شود ارزشمندتر است.

۱) ارسطو - عقل - حس
۲) پروتاگوراس - عقل - حس
۳) ارسطو - شهود - عقل
۴) پروتاگوراس - حس - شهود

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۱ (آسان ـ ترکیبی ـ ۱۱۰۸)

نظر افلاطون دربارهٔ معرفت	شناخت حسی معتبر است.
	شناخت عقلی معتبر است و ارزش بالاتری از شناخت حسی دارد.
	شهود قلبی نیز برای کسب معرفت مفید است.
	اموری که عقل درک می‌کند ارزش بیشتری دارد و شناخت عقلی مطمئن‌تر از شناخت حسی است.

پاسخ تشریحی:

بخش اول سؤال ← افلاطون و ارسطو حس و عقل و شهود را برای کسب معرفت معتبر می‌دانستند؛ درحالی‌که پروتاگوراس که یکی از سوفسطائیان بود، هیچ‌یک از ابزارهای شناخت را معتبر نمی‌دانست. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

بخش دوم و سوم سؤال ← از نظر افلاطون، آنچه از طریق عقل درک می‌شود، ارزش بالاتری از شناخت‌های کسب شده توسط حواس دارد. (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

گروه آموزشی ماز

۸۹- دربارهٔ معرفت‌شناسی از دیدگاه ابن‌سینا و فارابی می‌توان گفت:

۱) هر دو برخلاف افلاطون و ارسطو، علاوه بر شناخت حسی و عقلی، برای شناخت شهودی نیز اعتبار قائل بودند.
۲) ابن‌سینا برخلاف فارابی، شناخت شهودی را معتبر می‌دانست و در یکی از کتاب‌های خود به‌دقت معرفت شهودی را توضیح داد.
۳) علی‌رغم اینکه هر دو برای شناخت شهودی اعتبار خاصی قائل بودند، امّا از ابزار قلب برای تفسیر مباحث فلسفی خود استفاده نمی‌کردند.
۴) ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود به تبیین عرفان پرداخت و به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح داد و دلیل عدم ارتباط شهود و فلسفه را بیان نمود.

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

نظر ابن‌سینا و فارابی دربارهٔ معرفت:	حس و عقل هردو معتبر هستند. (نقطهٔ اشتراک با هراکلیتوس، افلاطون، ارسطو و دیگر فیلسوفان مسلمان)
	شناخت شهودی، علی‌رغم اینکه معتبر است اما در فلسفه استفاده نمی‌شود. ← (نقطهٔ اختلاف با سهروردی و ملاصدرا)
	شناخت وحیانی نیز معتبر و مخصوص پیامبران است.

پاسخ تشریحی:

فارابی و ابن‌سینا برای شناخت شهودی و وحی اعتبار خاصی قائل بودند و وحی را مختص پیامبران می‌دانستند؛ از طرفی با اینکه شهود و شناخت شهودی را معتبر می‌دانستند، امّا آن را وارد فلسفه نمی‌کردند و فلسفهٔ آن‌ها ماهیت کاملاً عقلی و استدلالی داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) افلاطون و ارسطو نیز شناخت شهودی را معتبر می‌دانستند.
۲) فارابی هم مانند ابن‌سینا، شناخت شهودی را معتبر می‌دانست.
۴) ابن‌سینا در کتاب خود به تبیین عرفان پرداخته و معرفت شهودی را به‌طور دقیق توضیح می‌دهد ولی از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

نکته: نخستین بار سهروردی از شهود قلبی در فلسفهٔ خود به‌صورت مستقیم استفاده کرد.

گروه آموزشی ماز

۹۰- کدام مورد باعث جدا شدن دکارت از تجربه‌گرایان است؟

۱) دانش و علم را حاصل همکاری حس و عقل می‌دانست و هیچ‌کدام را به تنهایی معتبر نمی‌دانست.
۲) پذیرش گزاره‌های عقلانی و کنار گذاشتن اموری که به واسطهٔ عقل محض کسب نمی‌شوند.
۳) فقط عقل محض را دارای اعتبار می‌دانست و امور تجربی را غیرقابل اعتماد می‌دانست.
۴) قبول گزاره‌های عقلانی که با تجربه قابل دسترس نیستند و فقط متکی بر عقل است.

www.biomaze.ir

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۸)

حس و تجربه ما را بهتر به حقایق می‌رساند یا استدلال عقلی؟

تجربه‌گرایان
- تجربه را اساس کسب معرفت می‌دانستند.
- عقل را در صورت همراهی با تجربه نفی نمی‌کردند، اما استدلال عقلی محض را نفی می‌کردند.
- تجربه‌گرایان منکر دخالت عقل در کسب معرفت نیستند، چنانچه بسیاری از حقایق علمی با دخالت عقل و تحلیل یافته‌های حسی به‌دست آمده، اما آنان معتقدند تکیه کردن بر استدلال عقلی محض (عدم دخالت تجربه) باعث عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت علوم می‌شود.

عقل‌گرایان
- به تفکر عقلی اهمیت زیادی می‌دادند.
- تجربه و علم تجربی را نفی نمی‌کردند.
- امکان درک امور غیرمادی مانند معرفت به وجود خدا را داشتند.

پاسخ تشریحی:

آنچه دکارت را از تجربه‌گرایان جدا کرد، قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.

مقایسهٔ دیدگاه دکارت و تجربه‌گرایان:

شباهت ← پذیرش حس و تجربه به‌عنوان راه‌های کسب شناخت

تفاوت ← پذیرش استدلال عقلی محض به‌عنوان راه کسب شناخت

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) این نظر مربوط به کانت است.

۲) دکارت امور تجربی که توسط عقل محض کسب نمی‌شوند را کنار نگذاشت و آن‌ها را نیز معتبر می‌دانست.

۳) دکارت تجربه و شناخت عقلی محض را معتبر می‌دانست.

نکته: دکارت، همهٔ آنچه که تجربه‌گرایان به‌عنوان راه‌های شناخت قبول داشتند را پذیرفته بود و علاوه بر آن‌ها، عقل محض را نیز معتبر می‌دانست.

گروه آموزشی ماز

۹۱- دربارهٔ جریان‌های تجربه‌گرایی کدام گزینه درست است؟

۱) همهٔ آن‌ها معتقدند که عقل به‌هیچ‌عنوان معتبر نیست و فقط حس ما را به معرفت می‌رساند.

۲) برخی از آن‌ها معتقدند که عقل محض، صرفاً در امور ماوراءالطبیعی قابل اعتماد است.

۳) برخی از آن‌ها معتقدند تجربه نمی‌تواند انسان را به واقعیت و حقیقت برساند.

۴) همهٔ آن‌ها وجود مفاهیمی که تجربه‌پذیر نیستند را انکار می‌کنند.

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ مفهومی ـ ۱۱۰۸)

جریانات برآمده از تجربه‌گرایی

پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی)
- تنها راه رسیدن به شناخت ← تجربه
- مفاهیم و گزاره‌های تجربه‌ناپذیر ← بی‌معنا هستند ← قابل بررسی علمی نیستند.

نسبی‌گرایی
- شناخت هر کس متناسب با ویژگی‌های خود و متفاوت با افراد دیگر است.
- اعتبار شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش است.
- شناختی مطلق و ثابت وجود ندارد.

پراگماتیسم
- تنها ابزار شناخت ← حس و تجربه
- همان تجربه نیز در رسیدن به واقعیت اشیاء ناتوان است.
- هدف ← باورهایی که در عمل به کار ما آید، نه کشف واقعیت
- معنای درست بودن یک چیز ← فایده داشتن آن

- معتقدان به شهود معنوی و تجربه دینی در عین تجربه‌گرایی ← مانند جیمز، برگسون و ...

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ تشریحی:

پراگماتیسم‌ها معتقدند هر چند تنها ابزار شناخت انسان حس و تجربه است، ولی همان تجربه نیز نمی‌تواند ما را به واقعیت برساند و در واقع اصلاً نباید هدف ما کشف واقعیت باشد؛ بلکه باید به دنبال باورهای سودمند باشیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) جریان‌های تجربه‌گرایی عقل را به‌طور کلی انکار نمی‌کنند، بلکه عقل محض را انکار می‌کنند. در واقع حتی پوزیتیویست‌ها نیز عقل را هنگامی که با تجربه همراه باشد و در جهت تایید داده‌های تجربی باشد، قبول دارند.

۲) همهٔ تجربه‌گرایان معتقدند عقل محض اعتبار ندارد و اصلاً همین موضوع، وجه تمایز آن‌ها با عقل‌گرایان است.

۴) گروهی از تجربه‌گرایان، شهود را به‌عنوان ابزار معتبر شناخت قبول دارند؛ پس مفاهیم غیرتجربی را پذیرفته‌اند.

راز طراح: در چنین سؤالاتی باید به دنبال مثال نقض باشید تا رد گزینه کنید؛ مثلاً در گزینهٔ ۴ می‌توانید جیمز و برگسون را مثال زده و گزینه را خط بزنید.

گروه آموزشی ماز

۹۲- در کدام‌یک از دستگاه‌های فلسفی زیر، نمی‌توان گزارهٔ زیر را به‌صورت مطلق پذیرفت؟

«علت تورم از نظر همهٔ اقتصاددانان، ناتوانی دولت در کنترل سیاست‌های مالی است».

۱) نسبی‌گرایی ۲) پراگماتیسم ۳) پوزیتیویسم ۴) تجربه‌گرایی

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۸)

نسبی‌گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود، دربارهٔ امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است؛ بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش معتبر است. مثلاً بر اساس این دیدگاه، به‌طور مطلق نمی‌توان گفت «فلز بر اثر حرارت منبسط می‌شود» بلکه فرد حداکثر می‌تواند بگوید: «من در این وضعیت فکر می‌کنم که فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.»

پاسخ تشریحی:

از آنجا که نسبی‌گرایان شناخت را تابع ویژگی‌ها و خصوصیات افراد می‌دانند، بنابراین نمی‌توانند به یک قانون ثابت، کلی و همیشگی دست پیدا کنند؛ پس عبارت موجود در صورت سؤال که به‌صورت مطلق به «علت تورم از نظر همهٔ اقتصاددانان» پرداخته، نمی‌تواند مورد پذیرش نسبی‌گرایان باشد.

گروه آموزشی ماز

۹۳- کدام مورد از ویژگی‌های «نفس» از نظر افلاطون نیست؟

۱) غیرمادی و جاویدان است.

۲) یکی از قوای عقلی انسان است که ماهیتی نامرئی دارد.

۳) حقیقتی برتر است که محدودیت‌های جسم مادی را ندارد.

۴) با ارزش‌ترین دارایی‌های انسان است که باید از آن مراقبت شود.

پاسخ: گزینه ۲ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۹)

- دیدگاه افلاطون درباره نفس (انسان‌شناسی)
  - اولین نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان را افلاطون ارائه داد.
  - از نظر افلاطون، انسان دارای حقیقتی برتر از بدن است.
  - ویژگی‌های نفس
    - ۱) محدودیت‌های بدن را ندارد.
    - ۲) غیرقابل رؤیت و نامرئی است.
    - ۳) باارزش‌ترین دارایی انسان است.
    - ۴) تنها موجود دارای عقل و خرد به طور خاص انسان است.
    - ۵) جزء عقلانی (ذاتی) انسان است.
    - ۶) متمایزکننده انسان از سایر حیوانات است.
    - ۷) غیرفانی و جاویدان است.
  - وظیفه اصلی در انسان ← مراقبت و توجه به نفس است ← تا نفس به فضائل آراسته شود.

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ تشریحی:

از نظر افلاطون تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.

دام تستی: عبارت موجود در گزینهٔ ۲ برعکس ذکر شده است؛ درواقع عقل جزئی از نفس است؛ نه اینکه نفس از کارکردهای عقل باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) از آنجا که نفس، ساحت روحانی انسان است؛ پس غیرمادی و فناناپذیر و جاویدان است.

۳) نفس، حقیقت برتر انسان است و در قید زمان و مکان و قوانین فیزیکی نیست و محدودیت‌های بدن را ندارد.

۴) از نظر افلاطون، وظیفهٔ هر انسانی، توجه و مراقبت از نفس است.

گروه آموزشی ماز

۹۴- کدام گزینه دربارهٔ «نفس» از دیدگاه ارسطو درست است؟

۱) برخلاف افلاطون، نفس غیرمادی را صرفاً مخصوص انسان می‌دانست.

۲) از نظر او قوهٔ نطق مربوط به نفس انسان است و قابلیت حیات مربوط به بدن است.

۳) مقصود ارسطو از «ناطق» بودن انسان، صرفاً شامل قدرت تفکر و استدلال عقلانی نیست.

۴) نفس انسان که به‌طور کامل از بدن مجزا می‌باشد با کسب علم و احساس و ... ماهیتی غیرمادی پیدا می‌کند.

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۹)

- دیدگاه ارسطو در انسان‌شناسی
  - قوهٔ نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است.
  - بدن بدون نفس ← یک موجود مرده
  - نفس در هنگام تولد حالتی بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد.
  - به تدریج و با کسب اموری مانند احساس، محبت، نفرت و ... ← نفس به فعلیت و می‌رسد و کامل می‌شود.
  - مقصود از ناطق بودن انسان
    - سخن گفتن
    - تفکر و استدلال
  - استدلال کردن انسان ← با قوهٔ تفکر است.
    انسان در هنگام استدلال با خود نطق می‌کند (معنای حقیقی نطق)
    در پایان برای بیان نتیجه محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌کند (با نطق یا سخن گفتن) ← (معنای مجازی نطق)

پاسخ تشریحی:

مقصود اصلی ارسطو از ناطق بودن انسان، قوهٔ تفکر و تعقل است؛ اما این موضوع به معنای آن نیست که او صرفاً نطق را در معنای تفکر به کار می‌برده است. به عبارت ساده‌تر، ارسطو «نطق» را در هر دو معنای تفکر و سخن گفتن به کار می‌برد؛ ارسطو معتقد بود که انسان در هنگام استدلال با خود نطق می‌کند و پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) افلاطون و ارسطو هردو معتقد بودند که نفس صرفاً به انسان اختصاص دارد.

۲) از نظر ارسطو قوهٔ نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است و بدن بدون نفس، مُرده است.

۴) نفس ذاتاً غیرمادی است؛ نه اینکه با کسب چیزهایی ماهیت غیرمادی پیدا کند.

گروه آموزشی ماز

۹۵- از نظر افلاطون، نتیجهٔ توجه به نفس و مراقبت از آن،..... است و تنها موجودی که به‌صورت خاص دارای عقل و خرد می‌باشد،..... است.

۱) آراستگی به فضائل - نفس
۲) عقلانی شدن نفس - نفس
۳) جاودانه شدن نفس - انسان
۴) آراستگی به فضائل – انسان

www.biomaze.ir
AzmonVIP

پاسخ: گزینه ۱ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۹)

پاسخ تشریحی:

بخش اول سؤال ← آراسته شدن به فضائل و زیبا شدن آن، نتیجهٔ مراقبت از نفس است.

بخش دوم سؤال ← از نظر افلاطون، تنها موجودی که به‌صورت خاص دارای عقل و خرد می‌باشد، نفس است.

راز طراح: هرچند می‌توان به‌صورت مفهومی و بدون توجه به کتاب درسی، گزینهٔ ۴ را نیز درست گرفت؛ اما باید یاد بگیرید که در چنین سؤالاتی، درست‌ترین و بهترین گزینه را انتخاب کنید.

دام تستی: حتی اگر از نفس مراقبت نیز نکنیم، همچنان نفس جاودانه و عقلانی است.

گروه آموزشی ماز

۹۶- کدام مورد با دیدگاه ارسطو مطابقت دارد؟

۱) نطق ظاهر به‌هیچ‌وجه منظور ارسطو از ناطق بودن انسان نیست.
۲) انسان ابتدا در ظاهر نطق می‌کند و سپس به نطق باطن می‌رسد.
۳) نطق ظاهری شرط وصول به نطق باطن است تا استدلال شکل بگیرد.
۴) انسان ابتدا با نطق باطن به استدلال می‌رسد و سپس با نطق ظاهر، آن را منتقل می‌کند.

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۹)

از نظر ارسطو انسان با قوهٔ تفکر خود استدلال می‌کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می‌گیرد و استدلال را سامان می‌دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می‌کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.

پاسخ تشریحی:

نطق باطن که همان «تفکر و تعقل» است در باطن انسان صورت می‌گیرد و پس از تشکیل استدلال و رسیدن به نتیجه، هر انسانی با «سخن گفتن» که همان نطق ظاهری است، تفکر خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مقصود ارسطو از ناطق بودن انسان هم ناظر به نطق ظاهر است هم نطق باطن.
۲) و ۳) نطق باطن مقدم بر نطق ظاهر است؛ چراکه ابتدا باید استدلال شکل بگیرد و به نتیجه برسد تا از طریق سخن گفتن به دیگران منتقل شود.

گروه آموزشی ماز

۹۷- کدام مورد را می‌توان به‌عنوان ریشهٔ اصلی تفاوت در جریان‌های انسان‌شناسی دورهٔ جدید اروپا دانست؟

۱) تفاوت در حقیقت انسان
۲) انکار نفس یا قبول آن
۳) تفاوت در معرفت‌شناسی
۴) تفاوت در فلسفهٔ مضاف

پاسخ: گزینه ۳ (دشوار ـ مفهومی ـ ۱۱۰۹)

رجوع به درس ۲ کتاب فلسفه یازدهم:

هستی‌شناسی ← بر شاخه‌های فلسفه اثر می‌گذارد.

معرفت‌شناسی ← بر شاخه‌های فلسفه و هستی‌شناسی اثر می‌گذارد.

پس اگر فیلسوفی در معرفت‌شناسی، قائل به شناخت امور غیرمادی نباشد، در هستی‌شناسی یا انسان‌شناسی نیز توانایی درک نفس غیرمادی را ندارد.

مثال: اگر فیلسوفی در معرفت‌شناسی، قائل به پذیرش عقل محض یا شهود باشد، در هستی‌شناسی نیز قابلیت شناخت جهان غیرمادی را پیدا می‌کند.

پاسخ تشریحی:

ریشهٔ تفاوت نگاه دربارهٔ انسان در میان فیلسوفان دورهٔ جدید اروپا را می‌توان در تفاوت معرفت‌شناسی آنان پیدا نمود. به‌طوری‌که تجربه‌گرایان عموماً منکر وجود نفس غیرمادی در انسان می‌شوند و عقل‌گرایان مانند کانت و دکارت نفس مجرّد را در انسان می‌پذیرند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) و ۲) در واقع تکرار سؤال است و ارتباطی با ریشهٔ این تفاوت ندارد.
۴) فلسفه‌های مضاف، خودشان از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی تأثیر می‌پذیرند.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۹۸- کدام گزینه را نمی‌توان از معانی خودشناسی فلسفی دانست؟

۱) شناخت وجه تمایز انسان
۲) شناخت آیندهٔ انسان
۳) شناخت همهٔ صفات انسان
۴) شناخت چیستی انسان

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط ـ مفهومی ـ ۱۱۰۹)

معانی خودشناسی
- معنای غیرفلسفی ← شناخت صفات و ویژگی‌های ظاهری هرشخص
- معنای فلسفی ← شناخت ویژگی‌های بنیادین انسان

موضوعات انسان‌شناسی فلسفی:

۱) چیستی انسان
۲) جایگاه انسان در جهان
۳) آیندهٔ انسان
۴) ویژگی‌های خاص و متمایز کنندهٔ انسان از سایر موجودات
۵) هویت انسان

پاسخ تشریحی:

خودشناسی فلسفی صرفاً به بررسی ویژگی‌ها و صفات بنیادین انسان می‌پردازد؛ نه همهٔ صفات او.

گروه آموزشی ماز

۹۹- کدام گزاره به‌صورت کامل و دقیق پیرامون انسان‌شناسی فلسفی در دورهٔ جدید اروپا درست است؟

۱) نظر افلاطون و ارسطو پیرامون حقیقت انسان پذیرفته نشد.
۲) حقیقت انسان به همان روح و نفس غیرمادی تعبیر شد.
۳) نفس، چیزی فرعی و به‌عنوان اثر نسبت به بدن تلقی شد.
۴) نفس به‌عنوان موضوعی فلسفی، مورد بحث قرار گرفت.

پاسخ: گزینه ۴ (دشوار ـ ترکیبی ـ ۱۱۰۹)

انسان‌شناسی در دورهٔ جدید اروپا
- دو تلقی از انسان شد
  - جریان اول
    - هم‌نظر با افلاطون و ارسطو بود.
    - انسان را دارای روح و جسم می‌دانست.
    - حقیقت انسان را روح و نفس می‌دانست.
  - جریان دوم
    - یا کلاً نفس را انکار می‌کردند.
    - یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می‌کردند.

پاسخ تشریحی:

فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش نفس به‌عنوان حقیقت انسان، این موضوع محل بحث فیلسوفان در دورهٔ جدید اروپا قرار گرفت.

دام تستی: گزینهٔ ۴ به پذیرش یا عدم پذیرش نفس اشاره نکرده؛ بلکه دربارهٔ بحث و گفت‌وگو پیرامون نفس است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) گروهی از اروپاییان مانند دکارت، با افلاطون و ارسطو هم‌نظر بودند و انسان را دارای نفس غیرمادی می‌دانستند.
۲) گروهی از اروپاییان، حقیقت انسان را جسم مادی دانسته و برای انسان قائل به روح نبودند.
۳) این عبارت، صرفاً مربوط به دیدگاه برخی تجربه‌گرایان است؛ نه همهٔ اروپاییان.

راز طراح: در چنین سؤالاتی که «کامل‌ترین» عبارت مد نظر است؛ باید به دنبال گزینه‌ای بگردید که هیچ مثال نقض و استثنایی ندارد.

گروه آموزشی ماز

www.biomaze.ir
AzmonVIP

۱۰۰- کدام مورد دربارهٔ انسان‌شناسی دکارت صحیح است؟

۱) دکارت حقیقت انسان را ماشین پیچیده‌ای می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند.
۲) او معتقد است روح و بدن، علی‌رغم اتحادی که با یکدیگر دارند، هر کدام دارای خصوصیات متفاوتی هستند.
۳) دکارت روح را برخلاف بدن، تابع قوانین فیزیکی می‌دانست ولی جسم را مانند سایر اجسام مادی تلقی می‌کرد.
۴) از نظر دکارت، این روح است که از بدن استفاده می‌کند و در کنار بدن قرار می‌گیرد تا نیازهایش را برطرف کند.

پاسخ: گزینه ۴ (متوسط ـ خط به خط ـ ۱۱۰۹)

- انسان‌شناسی دکارت
  - از معتقدین به وجود نفس است.
  - بدن را ماشینی پیچیده‌ای می‌داند که به طور خودکار فعالیت می‌کند.
  - من = روح = نفس
    - همان روح یا نفس است.
    - مرکز اندیشه‌های انسان است.
    - استدلال کردن، پذیرفتن و رد کردن مربوط به آن است.
    - بدن حقیقت انسان را تشکیل نمی‌دهد.
  - روح و بدن
    - کاملاً مجزا از یکدیگر هستند.
    - دارای خاصیت‌های متفاوت هستند.
    - با یکدیگرند و روح از بدن استفاده می‌کند.
  - روح برخلاف جسم مادی، از قوانین فیزیکی تبعیت نمی‌کند.

پاسخ تشریحی:

از نظر دکارت، جسم تحت کنترل نفس قرار دارد و نفس از جسم استفاده می‌کند تا نیازهایش را برطرف کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دکارت بدن انسان را ماشین پیچیده‌ای می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند؛ نه حقیقت انسان را.
۲) از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند؛ نه اینکه با یکدیگر اتحاد داشته باشند.
۳) بدن تابع قوانین فیزیکی است و روح از این قوانین آزاد است.

سلام! امیدوارم که حالت خوب باشه!
در آزمون‌های قبل، اطلات کلی ارائه شده در صفحه‌های اول تا سوم کارنامه آزمون‌های ماز رو به شما معرفی کردیم! در این بخش، می‌خوایم به طور خلاصه اطلاعات موجود در صفحه چهارم کارنامه رو بهت معرفی کنیم تا بتونی آزمون‌های خودت رو با موفقیت تحلیل کنی. در صفحه چهارم کارنامه آزمون‌های ماز، اطلاعات نموداری مختلف به شما ارائه شده است.

اولین نمودار، پراکندگی درصدهای مختلف شما نسبت به همدیگر و در مقایسه با میانگین درصد پاسخ‌گویی شما نشان داده می‌شود. خط چین خاکستری، معادل با میانگین درصد پاسخ‌گویی شما بوده و نمودار هر درس، در مقایسه با این خط مقایسه شده است. به طور کلی، باید سعی کنید درصدهای شما در دروس مختلف پراکندگی کمتری داشته باشد تا نتیجه بهتری را در آزمون‌ها بگیرید.
توجه داشته باشید که همیشه یک درصد پاسخ‌گویی بسیار پایین، دو درصد پاسخ‌گویی بالای شما را خنثی کرده و ضربه زیادی به تراز نهایی شما وارد می‌کند.

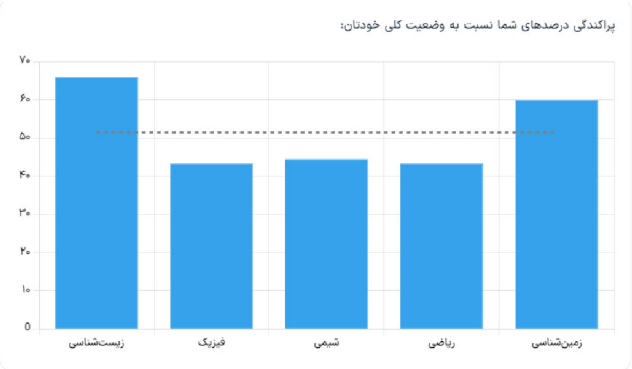

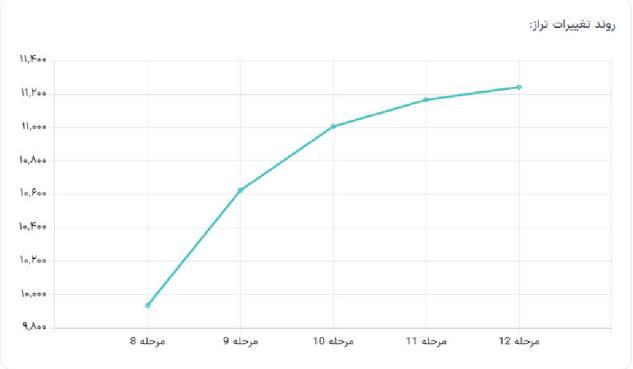

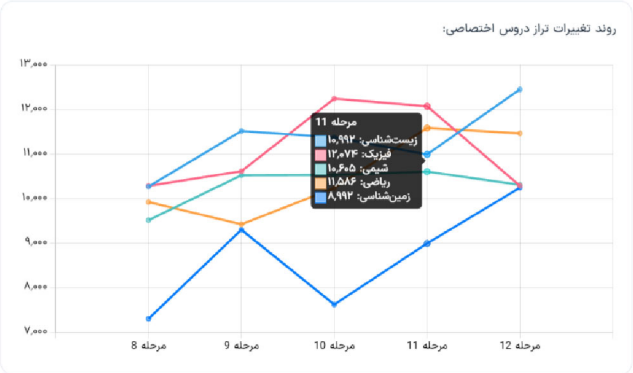

در نمودارهای دوم و سوم، روند تغییر تراز کل و تراز تک تک دروس شما مشخص شده است. باید سعی کنید که در طول سال، تراز کلی شما و تراز تک تک دروس شما روند افزایشی داشته باشد و ظاهر نمودار، همواره به صورت صعودی باشد. نمودار سینوسی (نموداری که مدام بین روند کاهشی و افزایشی تغییر فاز می‌دهد) و یا نمودار نزولی، شرایط ایده‌آلی را برای شما به وجود نیاورده و در نهایت، منجر به پیشرفت شما نمی‌شود. اگر در طول سال تحصیلی، همواره به دنبال بهبود روند مطالعاتی خود بوده، به صورت مدام ساعت مطالعه خود را افزایش بدهید و با تحلیل درست آزمون، اشکالات خود در آزمون را رفع کنید، قطعا نمودار روند تغییر تراز شما صعودی خواهد شد.

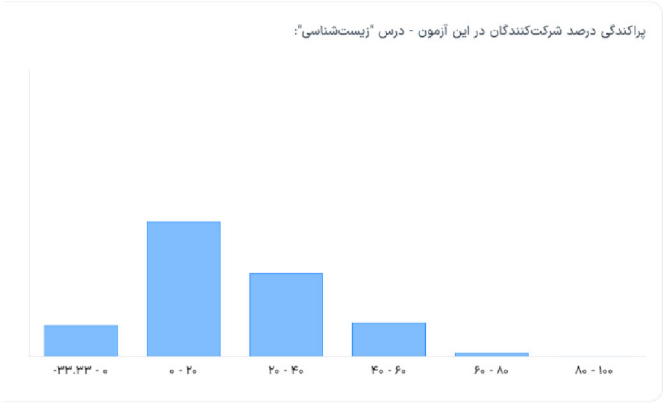

در ادامه صفحه چهارم کارنامه ماز، نسبتی از داوطلبان که درصد پاسخ‌گویی آن‌ها در هر درس در بازه‌های مختلف قرار گرفته است، نشان داده شده است. طبیعا هرچقدر که یک درس درجه سختی بالاتری داشته باشد، بخش بیشتری از داوطلبان آن درس درصد پاسخ‌گویی پایین‌تری خواهند داشت و هرچقدر که یک درس درجه سختی پایین‌تری داشته و آسان‌تر باشد، بخش بیشتری از داوطلبان آن درس درصد پاسخ‌گویی بالاتری خواهند داشت. با مشاهده این نمودارها، می‌توانید وضعیت کلی خود در مقایسه با سایر شرکت‌کنندگان آزمون را بسنجید.

AzmonVIP

تکنیک‌ها و روش‌های آزمون دادن

آزمون‌دادن یکی از مهم‌ترین کارهایی است که دانش‌آموزان در سال کنکور انجام می‌دهند که بهتراست اصول درست آن را یاد بگیرند و به درستی پیاده کنند.
به کمک ۴گام پیش‌رو می‌توانید از پس آزمون‌ها بهتر بربیایید.

گام اول : تقسیم زمان

زمان هر درس در ابتدای دفترچه نوشته شده است. شما لازم است آزمون را در۸۰درصد از زمان اعلامی تمام کنید.

گام دوم : تست شناسی

شما ۸۰ درصد زمان را لازم دارید و در مواجهه با هر تست، یکی از ۵ حالت زیر اتفاق می افتد:

۱ تست را بلد هستید و می‌توانید در زمان مناسب حل کنید.
۲ تست را بلد هستید و زمان زیادی لازم است تا به جواب برسید.
۳ درحل تست شک دارید، مبحث را فراموش کرده اید یا در رسیدن به جواب شک دارید.
۴ مبحث آن را مطالعه کرده‌اید ولی نمی‌توانید تست را حل کنید.
۵ آن مبحث را مطالعه نکرده‌اید.

گام سوم : استفاده از اطلاعات

تست‌های دسته اول را **به سرعت حل کنید.**
در دسته دوم و سوم **کنار سوال علامت بزنید و اگر وقت اضاف آوردید به آن برگردید.**
سوالات دسته چهارم و پنجم را **حل نکنید و به سرعت از آن‌ها رد شوید.**

گام چهارم : بازگشت

در ۸۰درصد زمان سوالات را حل کنید. در ۲۰درصد باقی مانده به سراغ سوالات دسته دوم و سوم بروید. در مدت زمانی که دارید هر تعداد از سوالات را که می‌توانید حل کنید.
در بازگشت به تست‌های دسته دوم و سوم بهتراست ابتدا به سراغ درسی بروید که در آن تسلط بالاتری دارید.
با تمرین و تکرار این روش‌ها می‌توانید تست‌ها را به درستی شناسایی کنید و تمام سوالات ساده و متوسط را حل کنید.

گروه آموزشی ماز
موفق و موید باشید.

AzmonVIP